

الگوی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در راستای امنیت‌زایی و عمق‌بخشی انقلاب اسلامی

سیروس حاجی‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و هشتم - پاییز ۱۳۹۹

چکیده

این مقاله، به‌منظور طراحی الگوی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران به امنیت‌زایی و عمق‌بخشی انقلاب اسلامی نگارش شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل سه طیف، خبرگان علمی «استاد دانشگاه»، مدیران ستادی نیروهای مسلح و کارشناسان وزارتخانه‌های دفاع و امور خارجه بود. روش نمونه‌گیری بر اساس نمونه‌گیری هدفمند است. حجم نمونه نیز از ۱۸ نفر شامل: ۶ نفر خبره علمی، ۶ نفر از فرماندهان ستادی و ۶ نفر از کارشناسان خبره امور سیاسی و دفاعی است. برای گردآوری داده‌ها، از هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد، به این ترتیب که از روش کتابخانه‌ای برای بررسی ادبیات تحقیق و از روش میدانی برای گردآوری نظر اعضای نمونه استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در روش کتابخانه‌ای، فیش و در روش میدانی مصاحبه عمیق بود. برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوا استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که این الگو شامل سه بعد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. بعد ملی دارای هشت مؤلفه شامل: «تقویت و توسعه توان و آمادگی‌های دفاعی، تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، متنوع‌سازی رویکردها و ابزارهای دیپلماسی دفاعی، تولید ادراک امنیتی و تصویرسازی راهبردی دفاعی، تقویت اتحاد و همدلی، تحرک‌بخشی و چابک‌سازی وزارت دفاع در حوزه‌های ساختاری و اجرایی، توانمندسازی حرفه‌ای و معنوی کارکنان نیروهای مسلح و هم‌سوسازی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی دفاعی»، بعد منطقه‌ای دارای هشت مؤلفه شامل: «تقویت همگرایی با ارتش کشورهای هم‌سوسو، بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام و انقلاب در مناسبات و تعاملات دفاعی، اهتمام برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، حمایت مادی و معنوی از جریان بیداری اسلامی، تقویت انسجام بین کشورهای اسلامی و مسلمان، دفاع در عمق راهبردی، تلاش در جهت مصون‌سازی گروه‌های مقاومت در برابر پدیده نفوذ و دفاع آینده‌نگر» بعد بین‌المللی دارای هفت مؤلفه شامل: «توسعه همکاری‌های دفاعی بین‌المللی، مدیریت بحران‌های بین‌المللی، چندجانبه‌گرایی راهبردی، مقابله با نظام سلطه، کنترل مناقشه از طریق رایزنی دفاعی، به‌کارگیری دیپلماسی عمومی به‌منظور مشروعیت‌بخشی به اقدامات دیپلماسی دفاعی و جایگاه‌یابی جهانی» است.

واژگان کلیدی

الگو؛ دیپلماسی؛ دیپلماسی دفاعی؛ امنیت‌زایی؛ عمق‌بخشی؛ انقلاب اسلامی؛ جمهوری اسلامی

مقدمه

دیپلماسی دفاعی، بخشی از سیاست‌های یک نظام، حکومت یا دولت است که به‌عنوان یک ابزار مهم در تحقق اهداف کلان آن نقش‌آفرینی کرده و هدف آن، ایجاد شرایط سیاسی ملی و بین‌المللی مطلوب برای حفظ و گسترش ارزش‌های ملی و حیاتی کشور در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه است. در دنیای امروز دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یکی از ابزارهای هویت‌یابی و مشروعیت‌سازی سیاست دفاعی و راهبردی کشورها تلقی می‌گردد.

دیپلماسی دفاعی، در جهت عمق‌بخشی انقلاب اسلامی به‌عنوان یک مفهوم جدید در نظام سیاسی کشور، محصول انقلاب اسلامی و بر بومی‌سازی ایده‌ها مبتنی بر انگاره‌ها و اندیشه‌های سیاسی و دفاعی امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) و مفاهیم دفاعی رایج پس از خاتمه جنگ تحمیلی است. در واقع از دهه هشتاد به‌منظور مقابله با تهدیدهای ناشی از سیاست‌های نظام هژمون و با بهره‌گیری از تجارب راهبردهای اتخاذی در دوران دفاع مقدس، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری در جهت امنیت‌بخشی به سیستم نظام سیاسی و پاسخی به تهدیدات فراروی آن در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌شمار می‌رود. کاربرد دیپلماسی دفاعی نیز از این جهت دارای اهمیت است که می‌تواند زمینه‌های لازم برای ایفای نقش راهبردی ایران در تعاملات محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را به‌وجود آورد.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد دیپلماسی دفاعی در ایران دارای ساختار غیرمردون است و هنوز به الگویی جامع، به‌عنوان یکی از ضرورت‌های راهبردی جمهوری اسلامی تبدیل نشده است. هرچند دیپلماسی دفاعی تقریباً در دو دهه از عمر خود، رشد قابل‌توجهی نموده و به‌مفهوم‌ی قوام‌یافته و معنادار در ادبیات راهبردی تبدیل شده است. فهم ماهیت دیپلماسی دفاعی به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در پرتو توجه به آموزه‌ها و ایدئولوژی اسلامی است. آیه شریفه «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (سوره مبارکه الأنفال آیه ۶۰) مبین این رویکرد است. با تأسی از آیه فوق، دیپلماسی دفاعی اسلامی در دوران پیامبر اسلام(ص) به‌منزله ابزاری برای نیل به مدینه فاضله در جهت تثبیت و تأثیرگذاری حکومت اسلامی، تأمین امنیت حکومت و کاهش حداکثری چالش‌های محیطی، در قبال دیگر بازیگران به‌شمار می‌رفته است. امام خمینی(ره) در بیان هدف‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران این موضوع را مورد تأکید قرار دادند که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست (صحیفه نور، ج ۲۰: ۳۲۵). این رویکرد به‌مفهوم اقدام متقابل در برابر تهدیدهای ناهمگون محسوب می‌شود. چنین رویکردی بعد از رحلت



امام خمینی (ره) نیز تداوم یافت. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به عنوان فرمانده کل قوا نقش برجسته‌ای در تدوین اصول و راهبردهای دفاعی کشور دارند، از این رو معرفت به اندیشه‌ها و راهبردهای دفاعی ایشان، در خصوص دفاع همه‌جانبه ما را در درک مبانی دفاعی جمهوری اسلامی هدایت می‌نماید. بر این اساس می‌توان دیپلماسی دفاعی را به عنوان بخشی از ابزار قدرت راهبردی کشور جهت نیل به اهداف منافع ملی کشور محسوب نمود و هر بازیگری که بتواند از دیپلماسی دفاعی به گونه مؤثرتری بهره‌مند شود، در آن شرایط به مطلوبیت‌های راهبردی فراگیرتری دست می‌یابد.

امروزه یکی از کاربردهای اصلی قدرت، تقویت و توسعه امنیت ملی و جلوگیری از وقوع جنگ و منازعات از طریق ابزار دیپلماسی در سطح نظام بین‌الملل است. قدرت سیاسی، وسیله‌ای برای دستیابی به خواسته‌های ملت است که از طریق مذاکره و دیپلماسی اعمال می‌شود. بر اساس مطالعات انجام‌شده، یکی از مقوله‌هایی که در طول دهه‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته و بسیاری از کشورها آن را در دستور کار خود قرار دادند، دیپلماسی دفاعی است که به عنوان یک ابزار مهم سیاسی - دفاعی، نقش مهم و مؤثری در کسب مطلوبیت‌های هر نظام سیاسی دارد. در جمهوری اسلامی، دیپلماسی دفاعی بر اساس گفتمان امامین انقلاب، می‌تواند نقشه راهی در جهت عمق بخشی انقلاب اسلامی به منظور تحکیم پایه‌های کشور ایفا نماید. این تحقیق، با ارائه برخی رهیافت‌های راهبردی، بسترها و زمینه‌های این نیازها و پیش‌شرطها را دنبال می‌نماید.

با توجه به اینکه محیط پیرامونی کشورمان در وضعیت شکننده‌ای است، طبیعتاً جمهوری اسلامی ایران نیز در معرض تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد. از این رو ضرورت اقدام‌های برنامه‌ریزی شده در قالب بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی دفاعی محسوس است. بنابراین اهمیت، نقش، جایگاه و اثربخشی دیپلماسی دفاعی به ویژه در بحث عمق بخشی به عنوان پارادایمی راهبردی، موضوعی است که این تحقیق به دنبال تئوریزه کردن آن در بهبود مناسبات یک کشور با سازمان‌ها، نهادها، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این فرایند، الگوی دیپلماسی دفاعی به عنوان رهیافتی نوین در جمهوری اسلامی ایران کمتر در جهت شکل‌دهی به تعاملات سیاسی - دفاعی با کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی در دستور کار قرار گرفته است.

بر مبنای الگوی مطرح‌شده، این مقاله به دنبال پرکردن خلأ ادبیات نظری در زمینه رویکردهای معرفت‌شناختی، به ویژه گفتمان اسلام و انقلاب در زمینه توسعه امنیت و پیشرفت سامانه سیاسی، فعال‌سازی سازمان‌ها و نهادهای دفاعی است. به دلیل عدم الگوی جامع در خصوص دیپلماسی دفاعی و عمق بخشی انقلاب اسلامی، این مقاله قصد دارد اولاً،

رهیافت‌های بازنگری نسبت به شیوه‌های مطرح در تأمین سیاست خارجی، نسبت به اصلاح، تداوم و یا توقف الگوهای دیپلماسی دفاعی و در نتیجه، انتخاب بهترین مدل به‌منظور کسب مطلوبیت‌های حداکثری کشور را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. ثانیاً مبتنی بر الگوها، مدل‌ها و نظریه‌های مختلف و با استفاده از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی دیپلماسی دفاعی به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی به‌عنوان نقشه راهی در عرصه دفاعی ترسیم نماید. ثالثاً در پی ارائه قالب‌های مفهومی متناظر به آن است که سیستم سیاسی چگونه می‌تواند با کمک بخش دفاع و بدون کاربرد قدرت سخت اهداف و منافع ملی را تأمین کند. اهداف، اهمیت و ضرورت پژوهش: این پژوهش با هدف شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیپلماسی دفاعی به‌منظور امنیت‌زایی و مقابله با تهدیدهای آتی علیه تمامیت ارضی و ایجاد فرصت‌های راهبردی در سطح منطقه و بین‌الملل به‌منظور امنیت حداکثری در راستای نیل به اهداف کشور، فراهم‌نمودن زمینه تدوین اسناد راهبردی، دکترین‌ها و سیاست‌های کلان در زمینه سیاسی و دفاعی در پرتو مطالعه الگوها و تحلیل دیپلماسی دفاعی متناسب با راهبردهای کشورهای غیرهمسو و برگشایی مفهیمی که در عرصه سیاست خارجی در سند بالادستی، قانون اساسی و راهبردهای کلان تصریح شده است، مطرح شده و پیگیری این روند از طریق جامعه علمی در جهت توسعه علمی در زمینه دیپلماسی دفاعی می‌تواند، هزینه‌های اقدام در محیط را کاهش دهد. ضرورت این پژوهش بر مبنای پاسخ‌گویی به دغدغه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص دیپلماسی دفاعی به‌عنوان رویکردی نوین در سپهر سیاسی و دفاعی کشور به‌منظور توسعه شیوه‌ها و رویکردهای جدید در تأمین امنیت و سیاست خارجی و پیگیری تدابیر ایشان در رابطه با دیپلماسی دفاعی به‌عنوان خطوط راهنما برای فرماندهان نیروهای مسلح در تعاملات دفاعی منطقه‌ای و جهانی، ضعف در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درمورد روش‌های مبتنی بر کارآمدی و حصول حداکثری الگوهای سیاست خارجی و دفاعی بر مبنای تأمین منافع ملی از قبیل الگوی دیپلماسی دفاعی و تبیین مدلی برای کاهش هزینه‌های سیاسی و دفاعی کشور به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی و پوشش نقاط ضعف در فعال‌سازی روندهای علمی دیپلماسی دفاعی است.

مواد و روش

این مقاله بر مبنای هدف، نوعی تحقیق توسعه‌ای است و به‌دنبال آن است که با استفاده از آرا و نظرات اندیشمندان حوزه‌های سیاسی و دفاعی به‌طراحی الگوی دیپلماسی دفاعی در راستای عمق‌بخشی انقلاب اسلامی بپردازد.



جدول ۱. توزیع اعضای نمونه

ردیف	اعضای خبرگان دانشگاه	تعداد	ویژگی اعضای نمونه
۱	کارشناسان امور سیاسی و دفاعی	۶	حداقل ۱۰ سال سابقه پژوهش و تحقیق در حوزه‌های سیاسی و دفاعی
۲	فرماندهان و مدیران ستادی	۶	حداقل ۱۵ سال سابقه فعالیت اجرایی در سطح معاونت و به‌همین میزان فعالیت در سطح دانشگاه
۳	خبرگان علمی	۶	صاحب‌نظر در حوزه مسائل راهبردی و دارای سابقه تدریس در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی
۴	مجموع	۱۸	

روش گردآوری داده‌ها: از دو روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی و همچنین استفاده از ابزار مصاحبه نسبت به جمع‌آوری داده‌ها اقدام گردیده است. در بخش کیفی با تجزیه و تحلیل داده‌ها مندرج در مصاحبه‌های انجام‌شده طی دو مرحله کدگذاری اولیه و کدگذاری نهایی نسبت به شناسایی سه بعد شامل (ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) و ۲۳ مؤلفه که با موضوع پژوهش مؤثر بودند، اقدام شد.

روش‌های تحلیل داده‌ها: برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا به‌منظور درک، تفسیر و مفهوم‌سازی معانی درونی داده‌ها استفاده شد؛ که در تحلیل محتوا با هدف روشن‌ساختن واژه‌ها و مفاهیم به‌کار رفته، توسط مصاحبه‌شونده و سپس مقوله‌بندی، طبقه‌بندی و رتبه‌بندی آنها انجام گرفت.

ادبیات و پیشینه پژوهش

ساعد در مقاله‌ای با عنوان: «دیپلماسی دفاعی، تأملی شناختی و کاوش در مبادی» معتقد است به‌کارگیری ظرفیت‌های دیپلماتیک، آسیب‌های تحولات محیط امنیتی بر دفاع ملی کمتر شده و نحوه واردکردن ملاحظه‌های دفاعی در فرایندهای یادشده در پرتو متوازن‌سازی منافع دفاعی ملی و بین‌المللی است (ساعد، ۱۳۸۹: ۶۳). ساعد و علیدوستی در مقاله‌ای با عنوان: «دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن در جمهوری اسلامی ایران» معتقدند به‌دلیل دارابودن موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان با استفاده از ظرفیت‌سازی منطقه‌ای همگام با عملیاتی‌کردن قابلیت‌های دیپلماسی دفاعی به چشم‌انداز مناسب در جهت نیل به اهداف موردنظر دست‌یافت (ساعد و علیدوستی، ۱۳۹۰: ۸۵). انعامی علمداری در مقاله‌ای با عنوان: «دیپلماسی دفاعی اروپا» دریافت که دیپلماسی دفاعی از جمله مؤلفه‌هایی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست



دفاعی کشورها ایفا می‌کند (انعامی علمداری، ۱۳۸۹: ۱۲۹). پیرمحمدی در مقاله‌ای با عنوان: «شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی» دریافت که دیپلماسی دفاعی سازوکاری برای بهره‌گیری از قدرت نرم است و با توجه به ماهیت مختلف دیپلماسی دفاعی می‌توان تصویر مثبتی از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در سطوح گوناگون ارائه داد. وی الگوی امنیت‌سازی بومی از طریق مشارکت کشورهای منطقه با اتخاذ اقدامات اعتمادساز را پیشنهاد می‌کند (پیرمحمدی، ۱۳۹۴: ۹). میرزایی و دیگران در مقاله‌ای با عنوان: «مقایسه دیپلماسی دفاعی انگلستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» دریافتند که انگلیس در حوزه دیپلماسی دفاعی از پتانسیل‌های قدرت نرم برای رسیدن به اهداف و منافع ملی استفاده می‌نماید. بر اساس ارزیابی آنها، در این روند وزارت دفاع بریتانیا از الگوی دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری در جهت دخالت در کشورهای هدف به‌منظور هم‌سوسازی سیاست‌های آنها با منافع ملی بهره می‌گیرد. بر اساس یافته‌های این تحقیق وزارت دفاع این کشور مأمور شده تا در هر بخش از موضوعات بین‌المللی که توانایی و صلاحیت دارد وارد شده و از این طریق منافع و اهداف ملی را به‌صورت پرونده‌ای منحصربه‌فرد پیگیری کند (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱). مینایی و دیگران در مقاله‌ای با عنوان: «تعیین پیش‌ران‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه و بین‌الملل» دریافتند دیپلماسی دفاعی یکی از ابزارهای هویت‌یابی و مشروعیت‌سازی است که می‌تواند در روند ائتلاف دو یا چندجانبه منطقه‌ای و یا بین‌المللی، در زمینه تنش‌زدایی و اعتمادسازی، هم‌گرایی و امنیت اجتماعی و تهدید متقابل و مقاومت‌گرایی کارآمدی لازم را نشان دهد (مینایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷).

پوستین‌چی و متقی در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌ها و کارکردهای دیپلماسی دفاعی» دریافتند که دیپلماسی دفاعی، مفهومی جدید در ادبیات راهبردی و از جنس نرم است که پیوستگی زیادی با مقوله‌های قدرت، دفاع، امنیت، بازاریابی و منطقه‌گرایی دارد. بر اساس یافته‌های آنان، دیپلماسی دفاعی از تلاقی امنیت‌سازی در فضای بین‌المللی و تهدیدزدایی و تنش‌زدایی در فضای منطقه‌ای به‌دست می‌آید (پوستین‌چی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۷).

کیمپ در تحقیقی با عنوان: «کنترل محیط ژئوپلیتیکی^۱» دریافت که ایران در فضای ناامنی منطقه‌ای قرار دارد و باید از طریق تولید قدرت و همچنین گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، بر نشانه‌های ناامنی منطقه‌ای غلبه نماید. وی پیشنهاد می‌کند هرگونه همکاری دفاعی منطقه‌ای ایران نه‌تنها منجر به رادیکالیزه‌شدن فضای دفاعی و امنیتی نمی‌شود،



بلکه باید آن را زمینه‌ساز گسترش موج مشارکت‌گرایی جدید دانست (کیمپ، ۲۰۰۰: ۲۵).
 فرهی در تحقیقی با عنوان: «همکاری در شرایط بحران و تهدید^۱» دریافت که کنش دفاعی و استراتژیک ایران، ماهیت عمل‌گرایانه و مصلحت‌جویانه دارد. بنابراین می‌تواند مبتنی بر نقش عنصر بین‌المللی در ذهن و نگرش مقامات اجرایی ایران باشد. وی با تأکید بر تأثیر مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی در گرایش دفاعی ایران نتیجه می‌گیرد که اگر ایران در شرایط همکاری‌های دفاع منطقه‌ای قرار نگیرد، در آن صورت ناچار خواهد بود تا از الگوی بازدارندگی استفاده به عمل آورد که این امر منجر به تقویت موقعیت ایران برای چانه‌زنی استراتژیک می‌شود (فرهی، ۱۳۸۰: ۱۸). مورگان در تحقیقی با عنوان: «سازمان‌دهی مجموعه امنیت منطقه‌ای^۲» معتقد است: زمانی که نظام بین‌الملل در شرایط آنارسی باشد، کشورهای منطقه‌ای ناچار خواهند بود تا برای امنیت ملی خود به اقداماتی از جمله سازمان‌دهی پیمان‌های دفاعی مبادرت نمایند. در چنین شرایطی است که امکان تبدیل پیمان دفاعی به مجموعه امنیت منطقه‌ای نیز وجود خواهد داشت (مورگان، ۱۳۸۱: ۲۸).
 لیک در تحقیقی با عنوان: «مشارکت در مجموعه امنیتی - بین‌المللی^۳» دریافت هرگونه همکاری یا تعارض بین کشورها تابعی از فضای بین‌المللی است و این امر تابعی از محیط راهبردی است که کشورها در آن رفتار یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند (لیک، ۱۳۸۱: ۲۶). احتشامی در تحقیقی با عنوان: «فرایندگرایی امنیت منطقه‌ای^۴» تلاش دارد تا موقعیت ایران را بر اساس شاخص‌های ژئوپلیتیکی، روح عمل‌گرایی و هم‌چنین تأثیری که انقلاب اسلامی بر فرایندهای دفاع منطقه‌ای به‌جای می‌گذارد، مورد بررسی قرار دهد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۳۰ - ۱۲۸). رضانی در تحقیقی با عنوان: «تعامل پویا در همکاری‌های دفاعی^۵» توانسته است موقعیت ایران در حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا را در چهارچوب سیاست ائتلاف و همکاری دفاعی تبیین نماید (رضانی، ۱۳۸۰: ۴ - ۸۲). علی‌رغم یافته‌های اندیشمندان نسبت به توسعه رهیافت‌های متناظر به رویکردهای دفاعی و امنیتی و همکاری با مجموعه امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور امنیت‌بخشی و تهدیدزدایی، خروجی این تحقیقات منجر به الگو نشده است.

1. Collaboration in conditions crisis and threat
2. Organizing a regional security Collection
3. Participation in International Security Collection
4. processualism Regional security
5. Dynamic interaction in defense cooperation

چهارچوب مفهومی و محوری

دیپلماسی

دیدگاه امام خمینی(ره) در زمینه دیپلماسی، مبتنی بر تفکری فراگیر است که محوریت آن تأمین منافع اسلام و ایران بر اساس عزت جهانی، وحدت جهان اسلام و مقابله با سیاست‌های تفرقه‌افکنانه دشمنان با امت اسلامی و حمایت از مظلومان در برابر ظالمان و زورمداران جهان است (امام خمینی، ۱۳۷۸). دیپلماسی مدیریت روابط بین دول است که با به‌کارگیری روش‌های مذاکره و معامله، برای ایجاد تفاهم و دوستی، به‌منظور پیشبرد مقاصد و منافع ملی کشور بحث می‌کند (کازمی، ۱۳۶۸: ۶۱). دیپلماسی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی، فن مدیریت تعامل با جهان خارج ازسوی دولت‌ها است (ایران‌شاهی، ۱۳۹۱: ۱). دیپلماسی فن اداره سیاست خارجی و تنظیم روابط بین‌المللی و همچنین حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی از طریق مسالمت‌آمیز است (قوام، ۱۳۸۱: ۲۰۷). آشوری دیپلماسی را وسیله‌ای می‌داند که سیاست خارجی با بهره‌گیری از آن، به‌جای جنگ، از راه سازش به هدف‌های خود می‌رسد (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۷۰). ظریف دیپلماسی را هنر ایجاد ارتباط میان کشورها تعریف می‌کند (ظریف، ۱۳۹۱: ۳۵). سجادپور دیپلماسی را شیوه‌ای مسالمت‌آمیز، نظیر گفت‌وگو و مذاکره برای دستیابی به اهداف می‌داند (سجادپور، ۱۳۹۰: ۱۹).

آلاد پوش و توتونچیان ضمن ارائه چندین تعریف از دیپلماسی، ازجمله تعاریفی چون «سیاست خارجی»، «مذاکره سیاسی»، «دستگاه اداره امور خارجی»، «علم سیاست»، «قواعد روابط بین دولت‌ها»، «فن ارتباط با دیگر کشورها» و بسیاری موارد دیگر، معتقدند که هریک از این تعریف‌ها بیانگر جنبه‌ای از دیپلماسی است و دارای کاربردهایی متفاوت ازجمله در مدیریت بحران‌ها، حل مشکلات میان کشورها، تسهیل ارتباطات و مذاکرات ویژه و مدیریت روابط عادی است (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۶۸: ۳ - ۴).

البرزی دیپلماسی را چنین تعریف می‌کند: مجموعه تدابیر و اعمالی که عمدتاً با استفاده از طرق مسالمت‌آمیز، حصول حداکثر توافق و تفاهم در میان انبوه اختلاف‌های صحنه روابط بین‌الملل، برای حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی به‌کار گرفته می‌شود (البرزی، ۱۳۶۸: ۶).

مورگنتا^۱ دیپلماسی را هنر مرتبط‌ساختن عناصر قدرت ملی به مؤثرترین شکل با آن گروه از ویژگی‌های شرایط بین‌المللی می‌داند که مستقیماً به منافع ملی مربوط می‌شود. از



دیدگاه وی دیپلماسی که تدوین و اجرای سیاست خارجی کشور را در همه سطوح برعهده دارد، مغز متفکر قدرت ملی است؛ همان‌گونه که روحیه ملی روح آن است. به نظر وی دیپلماسی، به‌عنوان مهم‌ترین عامل قدرت ملی سایر عوامل تعیین‌کننده قدرت ملی نظیر موقعیت جغرافیایی، خودکفایی در منابع و مواد خام، تولید صنعتی، آمادگی نظامی و جمعیت را به‌صورت مجموعه‌ای منسجم ترکیب می‌کند و به آنها جهت و وزن می‌دهد (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۲۴۷ - ۲۴۶). مورگنتا همچنین برای دیپلماسی چهار وظیفه مطرح می‌کند: تعیین اهداف یک کشور با توجه به قدرتی که به‌طور بالفعل و بالقوه در اختیار دارد، برآوردن‌موردن اهداف سایر دولت‌ها و قدرت بالفعل و بالقوه آنها، تعیین میزان سازگاری این اهداف مختلف، به‌کارگیری ابزار مناسب برای دستیابی به اهداف خود است (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۸۴۶). پیتر^۱ دیپلماسی را هنر مذاکره میان دولت‌ها در محیط بین‌المللی می‌داند (پیتر، ۲۰۰۵: ۱).

با وجود تعارف متعدد در خصوص دیپلماسی تقریباً معنای واحدی در نزد واحدهای سیاسی فهم می‌شود. اما مفهوم دیپلماسی دارای ابعاد وسیعی است که هر محقق به‌زعم خود برداشت متفاوتی دارد. نوع نگاه اندیشمندان از مفهوم موردنظر با توجه به مقتضیات واحدهای سیاسی بین‌المللی نیز متمایز از یکدیگر است. مطالعه تطبیقی و بررسی مقایسه‌ای مفاهیم دیپلماسی نشان می‌دهد، همه تعاریف مطرح‌شده دارای بار معنایی ایجابی در جهت حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی است. تعریفی که در این پژوهش از جامعیت موردنظر برخوردار است تعریف مورگنتا است که معتقد است دیپلماسی، دارای چهار وظیفه شامل: تعیین اهداف یک کشور با توجه به قدرتی که به‌طور بالفعل و بالقوه در اختیار دارد، برآوردن‌موردن اهداف سایر دولت‌ها و قدرت بالفعل و بالقوه آنها، تعیین میزان سازگاری این اهداف مختلف، به‌کارگیری ابزار مناسب برای دستیابی به اهداف خود است (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۸۴۶).

دیپلماسی دفاعی

دیپلماسی اولین خط دفاع و دفاع، آخرین خط دیپلماسی است (قهرمان‌پور، ۱۳۸۲: ۲). دیپلماسی دفاعی عبارت است از: انجام مذاکرات و دیگر روابط بین ارتش‌ها توسط دیپلمات‌های نظامی است که هدف از آن، تأثیرگذاری بر محیطی است که نیروی نظامی در آن فعالیت می‌کند (وزارت دفاع انگلستان، ۱۹۹۸).
واژه دیپلماسی دفاعی اولین بار توسط صاحب‌نظران انگلیسی در سال ۱۹۹۸ وارد



ادبیات روابط بین‌الملل شد. چنان‌که در این سال وزارت دفاع انگلستان در پروژه‌ای تحت عنوان: «بررسی دفاع راهبردی»^۱ دیپلماسی دفاعی را یکی از مأموریت‌های هشت‌گانه اساسی نیروهای نظامی بریتانیا معرفی کرد و درباره آن بیان داشت: تأمین نیروهای مسلح لازم برای وزارت دفاع در تحقق وظایف محوله خود، از جمله رفع خصومت و دشمنی، برقراری اعتماد و همکاری و کمک به ایجاد یک «نیروی نظامی پاسخ‌گو»^۲ به (لحاظ دموکراتیک)، کمک شایانی به جلوگیری و حل منازعات خواهد کرد (بررسی استراتژیک، ۲۰۰۰: ۳۸).

بارستون^۳ دو تعریف برای دیپلماسی دفاعی ارائه کرده است: در تعریف اول دیپلماسی را مدیریت روابط بین دولت‌ها و دیگر بازیگران بین‌المللی معرفی نموده و در تعریف دوم دیپلماسی را شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی می‌داند (بارستون، ۲۰۱۲: ۹ - ۱).

هاک^۴ (۲۰۰۶) معتقد است: دیپلماسی دفاعی از جمله مقوله‌هایی است که در خلال دهه‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته و به‌مثابه بخشی از «همکاری‌های عمیق دفاعی» در دستورکار بسیاری از کشورها قرار دارد (هاک، ۲۰۰۶: ۵). ورنر^۵ (۱۳۸۶) دیپلماسی دفاعی را به‌معنای بهره‌گیری از قدرت نرم، تحرک دیپلماتیک و انعطاف‌پذیری گفتمانی برای غلبه بر تهدیدات توصیف می‌کند (ورنر، ۲۰۱۰: ۳۹).

کوئرر^۶ دیپلماسی دفاعی را بازسازی روابط نیروهای مسلح با بخش غیرنظامی (جنبه درونی) و اعتمادسازی بازدارنده از خصومت (جنبه بیرونی) می‌داند که به‌زعم وی در تبیین این مفهوم، الگوهای متفاوتی وجود دارد که با توجه به رویکرد کشورها، تفاوت خواهد داشت. وی می‌نویسد: کانادا با رویکرد «دیپلماسی دفاع، توسعه» چهارچوبی گسترده را در این مورد ترسیم کرده است (کوئرر، ۲۰۰۵: ۶).

گیتس^۷ دیپلماسی دفاعی را دارای دو جهت‌گیری تفکیک‌شده از یکدیگر تعریف می‌نماید که از یک‌سو معطوف به تولید قدرت در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی است و از سوی دیگر، دیپلماسی دفاعی را باید بر اساس ضرورت‌های محیط داخلی توجیه و تبیین نمود. به‌زعم وی، در چنین شرایطی است که کنش دیپلماسی دفاعی حوزه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در برمی‌گیرد (گیتس، ۲۰۰۲: ۲۵).

1. Strategic Defence Review
2. Accountable Military Force
3. Barston
4. Haack
5. Verner
6. Koerner
7. Wolf and gates



شیا^۱: دیپلماسی دفاعی، دربرگیرنده فعالیت‌هایی مانند انجام گفت‌وگوهای امنیتی، راهبردی و سطح بالا، تبادلهای آموزشی و حرفه‌ای نظامی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، برگزاری رزمایش‌ها و تمرین‌های نظامی مشترک و نظایر آن از سوی ارتش‌های کشورها است. دیپلماسی دفاعی به وسیله سازمان‌های دفاعی هدایت شده و با ابزارهای مختلفی از جمله مذاکرات دیپلمات‌های نظامی اداره می‌شود (شیا، ۲۰۰۵: ۳۳).

با نگرشی به رویکرد دیپلماسی دفاعی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در عرصه‌های مختلف دفاع می‌توان رویکردهای مدنظر ایشان را به شرح ذیل تبیین نمود: الف. بومی‌سازی ابزار و روش‌های تأمین دفاع و امنیت ملی؛ ب. انعطاف‌پذیری و تنوع تمهیدات و آمادگی‌های دفاع ملی به تناسب تنوع کمی و کیفی طیف تهدیدات ممکن و متصور؛ ج. تمهیدات آغاز فرایند دفاعی کشور از قلب محیط داخلی و سرّی آن به محیط پیرامونی به قصد ارتقای سطح و موقعیت جمهوری اسلامی ایران از منطقه‌ای به فرامنطقه‌ای؛ د. منطقه‌گرایی امنیتی و تلاش برای بومی‌سازی و منطقه‌ای‌سازی ابزار و روش‌های دفاع و امنیت منطقه‌ای؛ ه. جایگزین نمودن چالش‌های ضدامنیتی در محیط پیرامون و منطقه‌ای با فرصت‌ها و عناصر امنیت‌ساز؛ و. ایجاد تفاهم مشترک مبتنی بر منافع امنیتی منطقه‌ای، درک واحد نسبت به فرصت‌های امنیتی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت و تفکیک مناسبات و مراودات غیرامنیتی بازیگران منطقه‌ای با نیروهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای بر اساس منافع و اهداف مشترک امنیتی در سطح منطقه؛ ز. ایجاد توان و آمادگی پاسخ‌گویی به تهدیدات قدرت‌های فرامنطقه‌ای که می‌تواند علیه اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به‌وقوع بپیوندد؛ ح. فراهم نمودن تمهیدات ملی برای مواجهه و عبور از حیطة تهدیدات غیرسخت‌افزاری «زوندهای بازدارنده، خلع‌کننده و کنترل‌کننده قدرت دفاع ملی»؛ ط. تقویت دستگاه دیپلماسی کشور در بخش دفاعی و تزریق ایده‌ها، ارزش‌ها و نیروهای جدید؛ ی. ایجاد ساختارهای کوچک، کارآمد و دانش‌محور در هدایت و اجرای دیپلماسی دفاعی؛ ک. استفاده از روش‌ها و فنون جدید مدیریتی و ارزیابی عملکرد و توجه بیشتر به آموزش‌های حرفه‌ای ضمن خدمت دیپلماتیک؛ ل. توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی و ایجاد یک شبکه یکپارچه ارتباطی و هم‌گرایی بیشتر وزارت امور خارجه، وزارت دفاع و ستاد کل نیروهای مسلح و نیز وابسته‌های نظامی (حاجی‌زاده، ۱۳۹۷).

دیپلماسی در حوزه دفاع به منظور بالابردن سطح تعامل‌های همکاری‌جویانه کشورها و جایگزین کردن ثبات به جای تنش است. بنابراین دیپلماسی دفاعی یک رویکرد ثبات‌محور است که افزون بر پیشبرد سیاست‌های کلان ملی، می‌تواند زمینه مناسبی برای مدیریت

بحران و محیط امنیتی جدید به‌شمار رود. هر بازیگری که بتواند از قابلیت نهادی و کارکردی بیشتری در حوزه راهبردی برخوردار باشد نقش مؤثرتری در حوزه سیاست دفاعی ایفا می‌نماید. به‌تعبیر آنها، دیپلماسی دفاعی طراحی نقشه راه مناسب برای اعتمادسازی و تضعیف ذهنیت پتانسیل تهدید در میان بازیگران منطقه‌ای با هدف کم‌رنگ‌سازی نیاز روانی آنان برای ائتلاف با قدرتهای فرامنطقه‌ای است (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۴۴).

دیپلماسی دفاعی بسترساز همکاری و هماهنگی بین کشورها است. در چنین وضعیتی ضریب احتمال وقوع مناقشات به حداقل کاهش خواهد یافت. در واقع، دیپلماسی دفاعی دارای این ظرفیت است که حتی اگر منازعه‌ای رخ دهد، بتواند از راه برقراری ارتباط با طرف‌های درگیر، شرایط را برای پایان‌بخشیدن به درگیری فراهم کند (عسگری، ۱۳۸۹: ۱۶).

دیپلماسی دفاعی نوعی پیوند بین حوزه نظامی و سیاسی است و در حقیقت فراهم‌کننده منابع قدرت در جهت اعمال سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی کشور محسوب می‌شود. به‌عبارتی دیپلماسی دفاعی وظیفه تجمیع قدرت بالقوه به بالفعل را به‌منظور دفاع از تمامیت سرزمینی و سایر منافع ملی حیاتی کشور برعهده دارد (قاسمی، ۱۳۹۱: ۸).

دیپلماسی دفاعی، ناظر بر اولویت و برجسته‌سازی کاربست و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی، گفت‌وگو، تعامل و همه ابزارهای غیرقهری برای پیشبرد هدف‌ها و کار ویژه‌های دفاعی است که در آن، بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی و در نهایت، هدف‌های ملی، مدنظر قرار می‌گیرد. در واقع، دیپلماسی دفاعی بخشی از قدرت ملی است که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالابردن ظرفیت اقدام یک کشور در روابط خارجی (دو یا چندجانبه) را تشکیل می‌دهد. از این‌رو، دیپلماسی دفاعی نه تنها ناظر به کاربست سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی، بلکه متضمن سهیم‌شدن دیپلماسی در حوزه سیاست دفاعی است (ساعد، ۱۳۸۹: ۶۴).

هدف از دیپلماسی، کاربرد سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی به‌منظور تأمین اهداف عالیّه یک نظام سیاسی در قالب استراتژی کلان ملی است. بنابراین دیپلماسی دربرگیرنده هردو بعد قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و عملیاتی‌کردن آن در محیط بین‌المللی است، به‌گونه‌ای که منافع و اهداف نظام سیاسی با کمک بخش دفاع و بدون کاربرد قدرت سخت، تأمین گردد (علمداری، ۱۳۸۵: ۹۴).

دیپلماسی دفاعی با اهمیت‌دادن به عنصر پیشگیری، شرایطی را فراهم می‌کند که پیش از هرگونه برخوردی، واحد سیاسی بتواند منافع و هدف‌های خود را کسب نماید و به



بهترین وجه، قدرت را در حوزه‌های گوناگون تقسیم کند (مینایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶). برداشت محققان از مفهوم دیپلماسی دفاعی کاملاً از یکدیگر متمایز است؛ به‌عنوان مثال: نوع نگاه و عملکرد کشورهای مختلف که این رهیافت را در دستور کار عملی خود قرار داده‌اند هم به‌لحاظ روشی و هم از منظر بینشی تفاوت اساسی دارند. براینده کلی از تعاریف مطرح‌شده، نشان می‌دهد اولاً تلاش برای استمرار وضعیت جنگ سرد و به‌تعبیری صلح گرم است که در امتداد آن تلاش می‌شود، با نزدیک‌سازی اراده سیاسی دولت‌ها، از وقوع جنگ و درگیری پیشگیری نماید. ثانیاً این مفاهیم ناظر بر ارتباطات بین‌الدول نیست؛ بلکه در هندسه قدرت جهانی فرایندی بین‌المللی دارد که تکثر بازیگران و ظهور بازیگران غیردولتی عمده‌ترین ویژگی آن است. بنابراین با توجه به پارامترهای مطرح‌شده، دیپلماسی دفاعی در جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان بازوی مکمل سیاست خارجی جمهوری اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در عمق‌بخشی و پایداری امنیت ملی سیستم سیاسی و دفاعی و توسعه نفوذ منطقه‌ای آن دارد. در این فرایند گره‌خورده منافع و امنیت مسلمانان سایر کشورها، اعم از شیعه و سنی، که با حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از آنها حاصل شده است، یکی از مهم‌ترین عواملی است که در توسعه عمق راهبردی و مصونیت به ارکان امنیت کشور مؤثر بوده است.

با توجه به تعاریف متعدد از دیپلماسی دفاعی در نزد عالمان این حوزه، تعریفی که در این پژوهش مدنظر است تعریفی از متقی و پوستین‌چی است که دیپلماسی دفاعی را یکی از راه‌های کسب منافع و امنیت ملی تعریف می‌کنند. به‌زعم آنها، این مفهوم به‌معنای کاربرد دیپلماسی در حوزه دفاع به‌منظور بالابردن سطح تعامل‌های همکاری‌جویانه کشورها و جایگزین کردن ثبات به‌جای تنش است. بنابراین دیپلماسی دفاعی یک رویکرد ثبات‌محور است که افزون بر پیشبرد سیاست‌های کلان ملی، می‌تواند زمینه مناسبی برای مدیریت بحران و محیط امنیتی جدید به‌شمار رود. هر بازیگری که بتواند از قابلیت نهادی و کارکردی بیشتری در حوزه راهبردی برخوردار باشد نقش مؤثرتری در حوزه سیاست دفاعی ایفا می‌نماید. به‌تعبیر آنها، دیپلماسی دفاعی طراحی نقشه راه مناسب برای اعتمادسازی و تضعیف ذهنیت پتانسیل تهدید در میان بازیگران منطقه‌ای و با هدف کم‌رنگ‌سازی نیاز روانی آنان برای ائتلاف با قدرت فرمانطقه‌ای است (متقی، پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۴۴). این تعریف به‌لحاظ جامعیت و تأمین حداکثری منافع ملی در پرتو دیپلماسی دفاعی در شرایط آنارشی بین‌المللی دارای اعتبار ویژه‌ای است. تعبیر این مفهوم به این معنا نیست که از هر وسیله‌ای برای نیل به اهداف تبیین‌شده دست یافت، بلکه بر اساس پارادایم‌های بین‌المللی و نیز رویکردهای ملی (اسناد بالادستی، فرمان‌ها و رهنمودهای مقام

معظم رهبری (مدظله‌العالی)، قانون اساسی، سند چشم‌انداز و راهبردهای کلان) و نیز بر اساس اصل عزت، حکمت و مصلحت تأمین منافع و مصالح ملی می‌توان مطلوبیت‌های نظام را مصادره کرد.

عمق‌بخشی

در فرهنگ واژگان معین، عمق‌بخشی به‌معنای گودکردن و ژرفانمودن آمده است. این واژه در خود معنای کیفیت را در بر دارد نه کمیت (معین، ۱۳۵۰).
تعریف نگارنده از عمق‌بخشی عبارت است از: توسعه دامنه و گستره قدرت مادی و معنوی یک کشور در جهت کسب مطلوبیت‌های راهبردی (نگارنده، ۱۳۹۷). عمق‌بخشی، به‌معنای ژرف‌گرداندن مفاهیم و مبانی اعتقادی، سیاسی، اندیشه‌ای، انگیزشی و عملکردی است که در یک فرایند بلندمدت صورت می‌گیرد؛ که معمولاً بر اساس این فرایند، انگاره‌ها از یک مدار به مدار بعدی و ترجیحاً هنجاری تبدیل می‌شود (حاجی زاده، ۱۳۹۷). در تعریف عملیاتی مدنظر از عمق‌بخشی، تعریف نگارنده از جامعیت بیشتری در رابطه با عنوان پژوهش برخوردار است.

عمق‌بخشی انقلاب اسلامی

عمق‌بخشی انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، کشورها و مناطقی که حوادث آنها مثل ریشه و مایه استحکام یا ریسمان‌های نگه‌دارنده خیمه، برای داخل کشور به حساب بیاید. این مناطق عمق راهبردی انقلاب اسلامی است (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۲).

عمق‌بخشی انقلاب اسلامی عبارت است: از هرگونه اقدام عملی مشروع در جهت صدور انقلاب و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان مبتنی بر مبانی اسلام، انقلاب، منویات امامین انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق راهبردهای اساسی نظام متناسب با مقتضیات و شرایط زمان و مکان (محمدی، ۱۳۹۴: ۶).

عمق‌بخشی انقلاب اسلامی، عبارت است از: تقویت و توسعه، افزایش اقتدار، تأثیرگذاری، نفوذ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای جغرافیایی کشور در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... در دولت‌ها و ملت‌های گوناگون با ویژگی‌های دفاع از مسلمانان و مستضعفان غیرمعارض با اسلام، بازدارندگی مؤثر و توان در تغییر راهبردها و سیاست‌های دشمن، توان وادارنمودن دشمن به انصراف از حمله و یا تهدید جمهوری اسلامی ایران، قادر بودن به واکنش سریع در خارج از کشور با قابلیت بی‌اثر یا کم‌اثر نمودن و دور کردن تهدیدات و پرهزینه‌نمودن تهدیدات خارجی به‌ویژه



امریکا و رژیم صهیونیستی (صفوی، ۱۳۸۸: ۳).

عمق بخشی انقلاب اسلامی به معنای ژرفابخشیدن و نفوذ معنوی در مخاطبان انقلاب اسلامی ایران در خارج از مرزهای کشور از طریق بالابردن آگاهی و اطلاعات درخصوص انگیزه‌ها، اهداف و برنامه‌های انقلاب اسلامی است (علی بخشی، ۱۳۹۱: ۱۰).

عمق بخشی به معنای تقویت، توسعه و افزایش اقتدار و حضور انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف در خارج از مرزهای جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران تعریف شده است. در پرتوی همین مفهوم عمق بخشی ملی به معنای توسعه و به کارگیری کلیه منابع و امکانات سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یک ملت جهت تأمین اهداف ملی است (قلی زاده، ۱۳۹۳: ۳).

از مفهوم عمق بخشی چنین استنباط می شود که دارای پیام زیربنایی و فرهنگی به منظور ایجاد دگردیسی ایجابی از وضع موجود در جهت نیل به وضع مطلوب یا وضع موعود است. با اندک جست و جویی در رابطه با نسبت دیپلماسی دفاعی و عمق بخشی می توان دریافت آن چنان که بسیاری از مفاهیم جایگاه خود را در اعتبار بین المللی یافته اند، این رویکرد به لحاظ نظری چندان بسط و توسعه نیافته است و برخی کشورها نیز در قامت عمل گرایی هنوز چشم انداز روشنی در قبال آن ندارند. موفقیت دیپلماسی دفاعی به منظور عمق بخشی انقلاب اسلامی منوط به شناخت شرایط، مهارت های دستگاه دیپلماسی و برخورداری از سطح قابل توجهی از توانمندی انقلاب اسلامی در عرصه داخلی و بین المللی است.

برخی از کشورها از جمله امریکا در راهبرد ملی خود، طرح های مختلفی از جمله: دکترین و طرح ترومن، طرح مارشال، پیمان ناتو، پیمان سنتو، سیتو، آنزوس و پیمان آسیای جنوب شرقی، دکترین امنیت دوستونی نیکسون، که همه این طرح ها در جهت حفاظت از منافع ملی این کشور که بیشتر به منظور پیاده سازی سیاست مهار کمونیسم بود را به اجرا گذاشته است. از سوی دیگر شوروی سابق نیز به همین منظور دست به اقدامات متعددی زد، از جمله: پیمان ورشو، کمینتر، پیمان کشورهای کمونیست آسیای جنوب شرقی، اتحاد نظامی با کشورهای حاشیه امریکا از جمله کوبا و اشغال نظامی افغانستان و... که این اقدامات نشان می دهد که کشمکش بین امریکا و شوروی و تلاش برای توسعه عمق استراتژیک خود پایان ناپذیر است. گسترش نفوذ این دو ابرقدرت برای گسترش عمق استراتژیک خود حتی به کشورهای آسیای جنوب شرقی و آفریقا نیز به شکل های مختلف گسترش یافته بود. این امر به منزله بخشی از اقدامات عمق بخشی قدرت های بزرگ به عنوان شاخص های عمق بخشی در مناطق پیرامونی و یا سایر مناطق بود.

در این پژوهش تعریف عمق‌بخشی انقلاب اسلامی از دکتر صفوی مدنظر است که معتقد است: عمق‌بخشی انقلاب اسلامی، عبارت است از تقویت و توسعه، افزایش اقتدار، تأثیرگذاری، نفوذ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای جغرافیایی کشور در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... در دولت‌ها و ملت‌های گوناگون با ویژگی‌های دفاع از مسلمانان و مستضعفان غیرمعارض با اسلام، بازدارندگی مؤثر و توان در تغییر راهبردها و سیاست‌های دشمن، توان وادارنمودن دشمن به انصراف از حمله و یا تهدید جمهوری اسلامی ایران، قادربودن به واکنش سریع در خارج از کشور با قابلیت بی‌اثر یا کم‌اثرنمودن و دورکردن تهدیدات و پرهزینه‌نمودن تهدیدات خارجی به‌ویژه امریکا و اسرائیل است (صفوی، ۱۳۸۸: ۳).

در این قسمت نسبت الگوی دیپلماسی دفاعی به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی با رویکردها، الگوها و نظریه‌های تشریح و سپس با نقد و ارزیابی آنها پارادایم متناسب با طرح انتخاب می‌شود.

رویکردها

جدول ۲. رویکردها - شاخص‌ها (حاجی زاده: ۱۳۹۷)

ردیف	رویکردها	شاخص‌ها
۱	محتوایی	این رویکرد به‌عنوان بخشی از راهبرد امنیت‌سازی از طریق کسب، نمایش و توسعه قدرت از طریق متقاعدسازی به‌منظور نیل به منافع حداکثری است.
۲	توسعه‌گرایی	این رویکرد در تعامل با نظام بین‌الملل قواعد شکل‌گیری و رشد را با توجه به محدودیت‌ها و امکانات، درونی می‌کند.
۳	مشروعیت‌سازی	این رویکرد، غالباً به‌عنوان یک الگو یا طرح که اهداف، سیاست‌ها و اقدامات را با یکدیگر ترکیب می‌کند، و در شرایط ژئوپلیتیک تهدید مطرح می‌گردد.
۴	چندجانبه‌گرایی	در بستر این رویکرد است که دیپلماسی چندجانبه، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. شیوه مشترک و دسته‌جمعی مسائل و موضوعات معطوف به منافع مشترک توسط چند کشور در بستر اندیشه این رویکرد امکان‌پذیر است.
۵	هم‌زیستی مسالمت‌آمیز	این رویکرد با پذیرش پلورالیسم بین‌المللی در سیاست خارجی، به‌جای الگوی کشمکش و تعارض در قالب همکاری و هم‌زیستی مبتنی بر صلح و تفاهم با دیگر کشورها روابط خود را تقویت می‌کند.
۶	تعامل سازنده	این رویکرد نیاز به درک و بازاندیشی عمیق بر اساس شرایط داخلی و منافع ملی کشور دارد و بر گسترش و تعمیق روابط مثبت با سایر بازیگران تأکید دارد.



ادامه جدول ۲. رویکردها - شاخص‌ها (حاجی زاده: ۱۳۹۷)

ردیف	رویکردها	شاخص‌ها
۷	هنجارسازی	این رویکرد مبتنی بر بایدها و نبایدها است که بازیگران هویت خود را در عرصه بین‌الملل بر اساس آن شکل می‌دهند و معمولاً به‌صورت تدریجی بر جهت‌گیری رفتار واحدهای سیاسی تأثیرگذارند.
۸	تنش‌زدایی	این رویکرد ضمن کاهش اختلافات و تنش‌های موجود میان بازیگران، تلاش می‌کند بدون توسل به زور اما به‌طریق عادلانه، منافع نسبی طرفین یا طرف‌های درگیر را حل‌وفصل نماید.
۹	اعتمادسازی	مبنای این رویکرد تنظیم رفتار کشورها در شرایط منازعه است و معمولاً منجر به کاهش عدم اطمینان دوطرف در زمینه چالش‌های دیپلماتیک، تصاعد نظامی و بحران حملات غافل‌گیرانه و خفیف‌تر از جنگ است.
۱۰	قدرت نرم	این رویکرد دربردارنده سه مؤلفه فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی است که بر اساس آن ارزش‌های مثبت سیاسی یک کشور در بعد داخلی و خارجی افزایش می‌یابد.
۱۱	بازدارندگی	این رویکرد بازدارندگی در هردو حوزه استراتژی و دیپلماسی کاربرد دارد. در واقع اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات است که برای پیشگیری از اقدامات خصمانه دشمن صورت می‌گیرد.

نقد و ارزیابی رویکردها

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، هنجارگرایی، تعامل‌گرایی، تنش‌زدایی، اعتمادسازی و... ارتباط تنگاتنگ با دیپلماسی دفاعی دارند. موضوعاتی که هرکدام دارای بار معنایی منطقی و متناسب با رسالت این پژوهش است. اغلب این رویکردها در زمینه همکاری و مشارکت فعال در سازوکارهای منطقه‌ای، ائتلاف‌سازی، نهادسازی، اتحاد و منطقه‌گرایی، برقراری توازن قدرت، برطرف‌نمودن اختلافات و منازعات میان کشورها و بازیگران نظام جهانی و منطقه‌ای بر اساس احترام و منافع متقابل، گسترش و تعمیق روابط مثبت با سایر بازیگران، پرهیز از درگیری ایدئولوژیک و صرف‌نظرکردن از سیاست‌های هژمونیک، تنظیم رفتار کشورها در منازعه و درمجموع از حل درگیری‌های بین‌المللی حمایت کرده‌اند. هرکدام از رویکردها به‌نحوی از آنها یکی از راه‌های مرتفع‌سازی امنیت ملی محسوب می‌شود که به‌منظور بالابردن سطح تعاملات همکاری‌جویانه کشورها و بهره‌وری حداکثری در تأمین منافع ملی است. این رویکردها به‌هم‌پیوسته و معطوف به پیشبرد سیاست‌های کلان ملی است که می‌تواند زمینه مناسبی برای مدیریت بحران و محیط امنیتی جدید به‌شمار رود.

هر بازیگری که بتواند از قابلیت گفتمانی، نهادی و کارکردی بیشتری در حوزه راهبردی برخوردار باشد، نقش مؤثرتری در زمینه دیپلماسی دفاعی ایفا می‌نماید.

با توجه به تعاریف و محتوای هرکدام از رویکردهای ذکر شده، آنچه موجب مطلوبیت‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی می‌شود، رویکردی ترکیبی بر اساس مقولات مطرح‌شده با محوریت چندجانبه‌گرایی راهبردی است که بر اساس نظر نخبگان و اندیشمندان استراتژیست از جمله «منشور برنامه کاری در وزارت دفاع» قابل دفاع است و بیشترین مطلوبیت راهبردی را می‌تواند برای تحقق دیپلماسی دفاعی ایران به وجود آورد. در این روند، کارویژه دیپلماسی دفاعی به‌معنای پیگیری موضوعات راهبردی در محیط منطقه‌ای و سیاست بین‌الملل در روند امنیت‌سازی و تهدیدزدایی و توسعه گفتمان انقلاب اسلامی از طریق سازوکارهای غیرمنازعه‌آمیز محسوب می‌شود. بدیهی است موضوعات راهبردی ذکرشده صرفاً در شرایطی امکان‌پذیر است که درک دقیقی نسبت به مفاهیم و ادبیات آن در نزد تصمیم‌سازان و عملیاتی‌کردن آن نزد تصمیم‌گیران وجود داشته باشد.

الگوها / مدل‌ها

ارائه الگوی نظری برای مطالعه و طراحی دیپلماسی کشورها که خواهان تغییر جایگاه خود در سطح نظام بین‌الملل و عبور از الگوهای سیستمی و به‌عبارتی خواهان تغییر وضع موجود به نظم مطلوب و موعود هستند، مهم‌ترین وجهه و عینی‌ترین شکل سیاست خارجی یک کشور محسوب می‌شود. از جمله مباحث اساسی که در فرایند تصمیم‌گیری نسبت به روش‌ها و بینش‌های سیاست خارجی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، مباحث مربوط به مدل‌ها و الگوهای تصمیم‌گیری در دیپلماسی و به‌خصوص دیپلماسی دفاعی است. معرفی، شرح و تفصیل الگوهای شناختی در جهت اثربخشی دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزارهای مهم و مطلوب یک کشور در جهت تأمین منافع ملی و امنیت ملی دارای اهمیت بنیادین است.



جدول ۳. الگوها / مدل‌ها - شاخص‌ها (حاجی زاده: ۱۳۹۷)

ردیف	الگوها/مدل‌ها	شاخص‌ها
۱	دیپلماسی رسمی	این مدل، به‌عنوان وسیله حل و فصل منازعات و اختلافات، ایجاد فضای مناسب جهت تعامل، جلوگیری از جنگ و توسعه روابط صلح‌آمیز همواره مطرح بوده است.
۲	دیپلماسی مسیر دوم	این مدل، به دیپلماسی شهروندی یا راه‌حل تعاملی غیررسمی معروف است که معمولاً با ایجاد شبکه‌های انسانی غیررسمی در جهت کاهش یا حل منازعه کمک و فعالیت می‌کنند.
۳	دیپلماسی اجبار	این مدل، راهبردی (نظامی - سیاسی) دیپلماتیک و تدافعی است که درجه‌ای از اجبار را به‌کار می‌بندد و با استفاده از تهدیدهای اجبارآمیز تلاش می‌کند تا بدون هرگونه مقاومتی، رقیب را تسلیم خواسته خود نماید.
۴	دیپلماسی شبکه‌ای	این مدل، در واقع سازه‌های فیزیکی هستند که اجزای آن از طریق ارتباطات شکل گرفته و طیف‌های متنوعی از دیپلماسی در آن دیده شده که هرکدام کارکردهای مرتبط با این روند را تشریح می‌کنند.
۵	دیپلماسی عمومی	این مدل، مبتنی بر نفوذ و تأثیر بر مخاطبان خارجی، ایجاد مذاکره رودررو و روابط طولانی‌مدت هست و معمولاً از طریق ارتباط مستقیم یک دولت با مردم خارجی با هدف تأثیرگذاری بر نحوه تفکر آنها و در نهایت تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت‌های هدف است.
۶	دیپلماسی رسانه‌ای	این مدل، به‌عنوان رویکردی مؤثر در شکل‌دهی افکار عمومی و نظرات مردم سایر کشورها و نیز توجیه تصمیم‌گیری‌ها در حوزه سیاست خارجی است. به‌عبارتی ایجاد تصویر مثبت و مطلوب از اهداف و سیاست‌های دولت‌ها در افکار عمومی است.
۷	دیپلماسی مبتنی بر تصمیم‌گیری	این مدل، برابندی از دیپلماسی است که بر مبنای غربالگری، انتخاب و گزینش عقلانی از میان گزینه‌های دیگر تصمیم‌سازی به‌منظور تصمیم‌گیری است که در شیوه اجرای امور سیاست خارجی مؤثر است.
۸	دیپلماسی اسلامی - ایرانی	این مدل مبتنی بر انگاره‌ای بومی است و دارای مبانی مشخصی است که تعیین‌کننده چهارچوب‌ها است. این مدل با استفاده از آموزه اسلام، قرآن و سیره گفتاری - رفتاری معصومین، امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) اصول جهت‌دهنده را بیان نموده است. سیاست‌های کلان و دکترینی که در جهت سنجش و تنظیم سیاست خارجی مطرح گردیده است.



نقد و ارزیابی الگوها / مدل‌ها

این الگوها از نظر کارکردی مدلی مطلوب، مبتنی بر رفتار سیاست خارجی دولت‌ها، نمایندگان و کارگزاران دستگاه‌های سیاسی - دفاعی در تعامل با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور تحصیل حداکثری منافع ملی کشور محسوب می‌شود. در واقع هدف مدل‌های مطرح‌شده، چگونگی اتخاذ تصمیم مبتنی بر رفتارهای یک دولت با سایر دولت‌ها و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت سیاست‌های تبیین‌شده به‌شمار می‌رود. چگونگی اعمال نفوذ دولت‌ها در این الگوها را می‌توان جلوه‌ بارزی از سیاست خارجی نامید. در این مؤلفه‌ها، مشخص می‌شود (چه کسی، چه چیزی را، برای چه کسی و چگونه) در روابط با دولت‌های دیگر انجام می‌دهد. بهره‌گیری از الگوهای مطرح، بررسی و پردازش آنها، تأمین اهداف تبیین‌شده و نیز مقایسه رفتار و عکس‌العمل دولت‌های دیگر درخصوص به‌کارگیری الگوی برگزیده را می‌توان معیار مناسبی در جهت تعیین‌کنندگی تنظیم روابط با دیگر مجموعه‌ها در نظر گرفت.

بر اساس مطالعات انجام‌شده، درخصوص مدل‌های مطرح؛ علی‌رغم اینکه دیپلماسی دفاعی می‌تواند قابلیت‌های اثربخشی خود را در پرتو هرکدام از رهیافت‌های مطرح‌شده به‌منصه ظهور برساند، می‌تواند از پتانسیل این الگوها به‌نحو بالقوه‌ای استفاده نماید، اما باتوجه به ماهیت دیپلماسی دفاعی که بیشتر در بستر پارامترهای دفاعی و سیاسی شکل می‌گیرد، نمی‌تواند این الگوها را به‌عنوان پارادایم مسلط در سیاست‌ها و رفتار خود به‌کار گیرد. در این روند دیپلماسی دفاعی می‌تواند به‌صورت تاکتیکی، عملیاتی و حتی استراتژیک بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی، ضمن بهره‌گیری از الگوهای مطرح در جهت تأمین حداکثری منافع ملی سود جوید.

آگاهی از مفهوم و مختصات الگوهای ذکرشده نسبت به اهداف پژوهش، به‌صورت ترکیبی دیپلماسی شبکه‌ای، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی اسلامی - ایرانی می‌توانند مطلوبیت‌های موردانتظار این پژوهش را مرتفع نمایند. به‌دلیل اینکه از توانایی‌های بالقوه‌ای در جهت عمق‌بخشی اهداف انقلاب اسلامی و فعلیت‌بخشیدن به مطالبات منافع ملی و مصالح دینی متناسب با اهداف انقلاب اسلامی برخوردار است.

نظریه‌ها

نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل فعالیتی تحقیقی برای کشف حقیقت است. هدف از ارائه نظریه‌های گوناگون چگونگی اثربخشی پارامترهای مطرح‌شده نسبت به عملکرد مطلوب دیپلماسی دفاعی است. این نظریه‌ها عاملی برای فهم مناسب از چگونگی کاربرد دیپلماسی دفاعی در پرتوی آن نظریه است.



جدول ۴. نظریه‌ها - شاخص‌ها (حاجی زاده: ۱۳۹۷)

ردیف	نظریه‌ها	شاخص‌ها
۱	لیبرالیسم	رهیافت اصلی این نظریه این است که ایده همکاری در مقایسه با جنگ، توسعه بیشتری در نظام بین‌المللی داشته است، در واقع محور این نظریه، شامل چشم‌انداز همکاری‌های بین‌المللی مبتنی بر نظام‌های سیاسی لیبرال دموکراتیک است که به دنبال منافع مشترک سیاسی، نظامی و اقتصادی و دستیابی به منفعت‌های بزرگ و مطلق از طریق اقدام مشترک هستند.
۲	رئالیسم	در نظریه رئالیسم، اصل بر سیاست قدرت، بی‌اعتمادی و بی‌اعتقادی به ترتیبات نهادی جهت همکاری بین‌المللی در نظام بین‌الملل، و تداوم جنگ در روابط میان کشورها، در وضعیت آنارسی حاکم بر ارتباطات بین‌الملل است که کلیه دولت‌ها باید در پی کسب قدرت باشند، چون دولت‌ها تنها به وسیله قدرت می‌توانند از خود محافظت کرده و سطح زندگی اتباع خود را ارتقا بخشند.
۳	مارکسیسم	مارکسیست‌ها، پدیده‌های مهم روابط بین‌الملل را بر اساس نابرابری طبقاتی (نظام پرولتاریا)، نظام‌های تولیدی و انقلاب‌های فناوری محک می‌زنند و کمتر به مناسبات میان دولت‌ها و بیشتر به جهان‌گیر شدن مناسبات اقتصادی و اجتماعی توجه دارد.
۴	کارکردگرایی	کارکردگرایان، اساساً روی ابعاد مشارکت فعالیت‌های بین‌المللی تأکید کرده و از حوزه منازعه‌آمیز آن طفره می‌روند. آنها بر اساس سیاست تعامل و عقلانیت نه بر اساس سیاست اختلاف و خردگریزی به دنیا می‌نگرند.
۵	ارتباطات	در سیاست بین‌الملل، ارتباطات یکی از ویژگی‌های لازم برای تعامل و همکاری است. بر مبنای این نظریه، ارتباطات بین‌المللی به دیالوگ بین‌المللی، دیالوگ بین‌المللی به تعامل بین‌المللی، و تعامل بین‌المللی به هم‌گرایی بین‌المللی می‌انجامد.
۶	مکتب انگلیسی	مکتب انگلیسی یا خردگرایی، در بین دو پارادایم آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی قرار دارد، چراکه به نظم در شرایط آنارشیک توجه دارد. در این نظریه، نهادهای بین‌المللی خاستگاه عنصر همکاری میان دولت‌ها در انجام وظایف سیاسی و همکاری هستند.
۷	نظریه انتقادی	نظریه انتقادی (نظریه‌های غیرغربی روابط بین‌الملل) دغدغه هنجاری در روابط بین‌الملل دارد. از اهداف مهم مطالعات انتقادی، تلاش برای تضعیف گفتمان امنیتی سلطه‌جویانه و تغییر دادن هنجارهای تنظیم‌کننده و تشکیل‌دهنده نظام بین‌المللی است.
۸	رژیم‌های بین‌المللی	در این نظریه، شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی منبعت از وجود موقعیت‌هایی است که قدرت‌های هژمونیک ایجاد می‌کنند. در این شرایط دولت‌ها به دلیل تأمین منافع خود در راستای تداوم وضعیت مجبور به ادامه همکاری در نظام بین‌الملل هستند.
۹	سازهانگاری	بر اساس این نظریه، توجه به ابعاد فرهنگی و غیرمادی قدرت، مهم است و عناصر فرهنگی شکل‌دهی رفتار سیاسی تأکید دارند؛ همچنین نقش ایدئولوژی به‌عنوان یکی از متغیرهای تبیین‌کننده رفتار سیاسی جایگاه ارزشمندی دارد.

نقد و ارزیابی نظریه‌ها

در این روش ضرورت نزدیک‌ساختن نظریه سیاسی به الگوی دیپلماسی دفاعی مدنظر است و سعی می‌شود، حداقل الگویی اولیه برای جستار فکری پردامنه‌تر برای فهم دقیق‌تر چرایی، چیستی و چگونگی (ظهور، تحول و تکامل و عملکرد) دولت یا سازمان عمل‌کننده ارائه شود. هرکدام از نظریه‌های موجود، در محافل دانشگاهی شکل‌دهنده قواعد بازی بین‌المللی هستند و جزء ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند. داده‌های مطرح شده - عمدتاً غربی - از هرمنوتیک و کارآمدی مؤثر به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی به‌خصوص در جهان اسلام برخوردار نیستند، به همین منظور، هریک از این نظریه‌ها، دارای ویژگی‌های سلبی و ایجابی هستند که در کلیت موضوع‌بخشی از نیازهای این تحقیق را فراهم می‌آورند. با توجه به بررسی تطبیقی موارد مطرح نسبت به موضوع تحقیق، بخش عمده‌ای - نه همه آنها - از نظریه‌های صدرالتوصیف، مبتنی بر پارادایم غربی است که به‌دلیل ویژگی‌های بومی انقلاب اسلامی قابلیت اثربخشی در عمق‌بخشی نیستند. در این رهیافت، نظریه‌سازانگاران از قابلیت لازم برای تأثیرگذاری دیپلماسی دفاعی بر محیط امنیتی و راهبردی انقلاب اسلامی برخوردار است. معمولاً در این نظریه‌ها، کشورها قابلیت‌های فرهنگی و دینی خود را به نشانه‌ای راهبردی تبدیل می‌نمایند. طبعاً در آن شرایط به مطلوبیت‌های بیشتری در حوزه دفاع و امنیت نیز نائل می‌گردند. از منظر نظریه‌سازانگاری، پس از ناکارآمدی مکاتب و نحله‌های اثبات‌گرایی، توجه به جنبه‌های فرهنگی و غیرمادی قدرت، اهمیت ویژه‌ای دارد. دیدگاه‌هایی مانند نظریه‌سازانگاری که به عناصر فرهنگی در شکل‌دهی رفتار سیاسی تأکید دارند، از گفتمان غالب در تبیین امنیت بین‌الملل برخوردارند. همچنین نقش دین نیز به‌عنوان یکی از متغیرهای تبیین‌کننده رفتار سیاسی در این نظریه از جایگاه والایی برخوردار است. به همین ترتیب جلوه‌هایی از مطلوبیت‌گرایی راهبردی مبتنی بر کنش‌های ایدئولوژی و فکری از پایداری راهبردی بیشتری برخوردارند و در همین پیوند نظریه انتقادی با سازانگاری سنخیت و هم‌خوانی دارد.

یافته‌های پژوهش

برای تبیین و بسط الگوی پژوهش از رویکرد جامع، شامل ترکیبی از نظریه کمپ، لیک، مورگان و احتشامی، (ادبیات خارجی) رضانی، ساعد، (ادبیات داخلی) و تجربیات محقق استفاده شد. برای دستیابی به مدل مفهومی پژوهش اقدامات اساسی زیر انجام گرفت.



ابتدا با بررسی چهارچوب نظری و ادبیات تحقیق مشخص شد مدل‌سازی در سازمان‌دهی دیپلماسی دفاعی، بخشی از ضرورت‌های راهبردی ایران محسوب می‌شود. هرگونه فرایندی نیازمند سازمان‌دهی عناصر و تنظیم سازوکارهایی است که زمینه‌های لازم برای نقش‌آفرینی بازیگران، نهادها، ساخت‌ها و فرایندهای کنش را امکان‌پذیر می‌سازد. دیپلماسی دفاعی در ساختار راهبردی ایران از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند سازوکارهای جدید برای ایفای نقش نهادهای نظامی، دیپلماتیک، رسانه‌ای، دانشگاهی را برای ارتقای قابلیت‌های ساختاری جمهوری اسلامی ایران فراهم آورد. اهمیت دیپلماسی دفاعی در ساختار راهبردی جمهوری اسلامی ایران تابعی از ضرورت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود.

مفروض^۱ اصلی این پژوهش بر این است که، ساختار نظام بین‌الملل و محیط منطقه‌ای در شرایط بی‌ثباتی قرار دارد. بنابراین دیپلماسی دفاعی باید بتواند زمینه‌های لازم برای غلبه بر بی‌ثباتی و تهدیدات بازیگران در این شرایط را به وجود آورد. در چنین شرایطی، دیپلماسی دفاعی بخشی از معادله قدرت در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. بیان چنین رویکردی به مفهوم آن است که به هر میزان قابلیت یک کشور برای مقابله با تهدیدات افزایش یابد. نیاز راهبردی چنین بازیگرانی برای بهره‌گیری از سازوکارهای متنوع تولید قدرت بیشتر می‌شود.

جدول ۵. وضعیت سازه‌های قدرت در نظام بین‌الملل

آنارشی (بی‌ثباتی) در نظام بین‌الملل	
آنارشی در نظام منطقه‌ای	
ایجاد تهدید برای جمهوری اسلامی ایران	
قدرت‌سازی ایران برای تهدید متقابل	
قدرت سخت‌افزاری	قدرت نرم‌افزاری
ساختار دفاعی	آئین دفاعی
سازه‌های دفاعی	دیپلماسی دفاعی

منبع: حاجی زاده، ۱۳۹۷

۱. دیپلماسی دفاعی برای مقابله با تهدیدات محیط منطقه‌ای آسیای جنوب غربی، شرق مدیترانه و شمال آفریقا سازمان‌دهی گردیده است. چنین مقوله‌هایی نشان می‌دهد که دیپلماسی دفاعی می‌بایست معطوف به ایفای نقش در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی

1. Assumed

باشد. به هر میزان تهدیدات افزایش بیشتری پیدا کند، محیط امنیتی و همچنین محیط منطقه‌ای مخاطرات بیشتری را برای جمهوری اسلامی ایجاد خواهد کرد. در مدل مفهومی می‌توان نقش محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز مبانی و رویکردهای معرفت‌شناسی را مورد ارزیابی قرار داد. در شرایطی که تهدیدات محیطی در قالب مناقشه، جنگ و رویارویی گسترش یابد، آثار خود را در محیط منطقه‌ای و در ارتباط با ضرورت‌های راهبردی جمهوری اسلامی منعکس می‌سازد. هم‌اکنون نشانه‌ای وجود دارد که تضادهای راهبردی متنوعی علیه ایران مشاهده می‌شود. به‌طور کلی، نهادسازی تابعی از ضرورت تولید قدرت برای جمهوری اسلامی ایران است. در فرایندهای گسترش تهدیدات منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران نیازمند مشروعیت‌یابی منطقه‌ای است.

دیپلماسی دفاعی بخشی از مشروعیت‌یابی کنش منطقه‌ای برای مقابله با تهدیدات است. تهدیدات در محیط منطقه‌ای ایران در حال گسترش بوده و نشانه‌ای از ضرورت مقابله با تهدیدات از طریق سازوکارهایی همانند دیپلماسی دفاعی اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین لازم است تا مشروعیت‌یابی راهبردی ایران از دو طریق مورد پیگیری قرار گیرد. مشروعیت‌یابی سخت‌افزاری نیازمند تولید قدرت است. مشروعیت‌یابی نرم‌افزاری نیازمند انگیزه برای کاربرد قدرت و مشروع‌سازی فرایندهای معطوف به کاربرد قدرت تلقی می‌گردد. یکی از ضرورت‌های راهبردی جمهوری اسلامی در جهت عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در محیط منطقه‌ای جهانی رویکرد قدرت نرم است.

دیپلماسی دفاعی بدون توجه به قابلیت‌های ساختاری امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین موضوعاتی از جمله نیروی انسانی، رویکردهای نظامی، فناوری راهبردی ایده‌ها، هنجارها و گفتمان‌ها به‌عنوان زیرساخت‌های تحلیلی و کارکردی دیپلماسی دفاعی محسوب می‌شود. در چنین فرایندی، نیروی انسانی، ایده‌ها، هنجارها و گفتمان‌ها به‌عنوان نشانه‌ قدرت نرم راهبردی محسوب می‌شود. چنین قابلیت‌هایی می‌بایست به موازات توانمندی‌های سخت‌افزاری مورد توجه قرار گیرد. دیپلماسی دفاعی زمانی می‌تواند در محیط تهدیدآمیز به نقش‌آفرینی مبادرت نماید که از قابلیت سخت‌افزاری لازم برخوردار بوده و به موازات آن زمینه‌های تولید قدرت نرم‌افزاری نیز فراهم گردد.



جدول ۶. نقش‌آفرینی دیپلماسی دفاعی در محیط تهدیدآمیز

تهدیدات ناشی از ساختار و بازیگران بین‌المللی	
سازوکارهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات	
ضرورت‌های سازه‌یابی راهبردی (به‌مثابه مشروعیت‌یابی سخت‌افزاری)	ضرورت‌های سازه‌یابی راهبردی (به‌مثابه مشروعیت‌یابی سخت‌افزاری)
انگیزه تولید و کاربرد قدرت	بهینه‌سازی ساختار نظامی
مشروع‌سازی تولید و کاربرد قدرت	خودکفایی ابزارهای نظامی
متقاعدسازی بازیگران	تنوع عملیاتی در آرایش نظامی
ائتلاف‌سازی بازیگران	نمایش درک در مانورهای نظامی

منبع: حاجی زاده، ۱۳۹۷

۲. تبیین مفهوم دیپلماسی دفاعی بر اساس رویکردهای مختلفی انجام می‌گیرد. در این مقاله تلاش شده است تا رابطه ارگانیک بین وضعیت موجود و همچنین آینده منطقه تبیین گردد و چندین مفهوم اصلی در تبیین دیپلماسی دفاعی مورداستفاده قرار گرفته است. از جمله این مفاهیم می‌توان به روندی اشاره داشت که در رویکرد مقام رهبری (مدظله‌العالی)، سند چشم‌انداز، رهیافت‌های ارائه شده در سیاست‌های کلی نظام مطرح شده است. این مفاهیم، بخشی از واقعیت‌های الگویی و کارکردی مدل دیپلماسی دفاعی محسوب می‌شود.

دیپلماسی دفاعی را باید در قالب اثربخشی و چندجانبه‌گرایی راهبردی موردتوجه قرار داد. به عبارتی دیگر اثربخشی باید بتواند چندجانبه‌گرایی^۱ راهبردی را تحقق بخشد. این رویکرد بخشی از ضرورت عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در حوزه دفاع تلقی می‌گردد. در چنین فرایندی لازم است تا نشانه‌ای از تناسب در فضای کنش راهبردی با تهدیدات امنیتی و ضرورت‌های ژئوپلیتیکی به‌وجود آید.



جدول ۷. دیپلماسی دفاعی در راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران

اهداف راهبردی	نهادهای و مؤلفه‌های راهبردی	اسناد راهبردی
ائتلاف‌گرایی منطقه‌ای	مراکز مطالعات راهبردی	آموزه‌های دینی
موازنه‌گرایی راهبردی	گفتمان‌های راهبردی	رهیافت‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)
بازدارندگی و بین‌المللی	روابط راهبردی ائتلاف‌سازی	قانون اساسی و سند چشم‌انداز
دفاع همه‌جانبه	مواضع و رویکردهای راهبردی	سیاست‌مدار برنامه‌های ۵ ساله

منبع: حاجی زاده، ۱۳۹۷

۳. فرایند تکامل دیپلماسی دفاعی به‌گونه‌ای است که باید محیط راهبردی مورد ارزیابی قرار گیرد. به‌عبارتی دیگر، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری راهبردی برای مقابله با تهدید تلقی می‌شود. در برخی از مواقع تهدیدات ماهیت تدریجی و غافل‌گیرکننده دارد. در چنین شرایطی لازم است تا الگوهای چندجانبه راهبردی بر اساس پیوند مؤلفه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وجود داشته باشد. فرایند اجرای دیپلماسی دفاعی در شرایطی حاصل می‌گردد که معادله گفتمان - قدرت وجود داشته باشد. در این معادله، راهبرد باید معطوف به تولید قدرت باشد؛ در این صورت می‌توان نشانه‌ای از قدرت‌سازی سخت‌افزاری به‌موازات فرایندهای دیپلماسی دفاعی را مورد ملاحظه قرار داد.

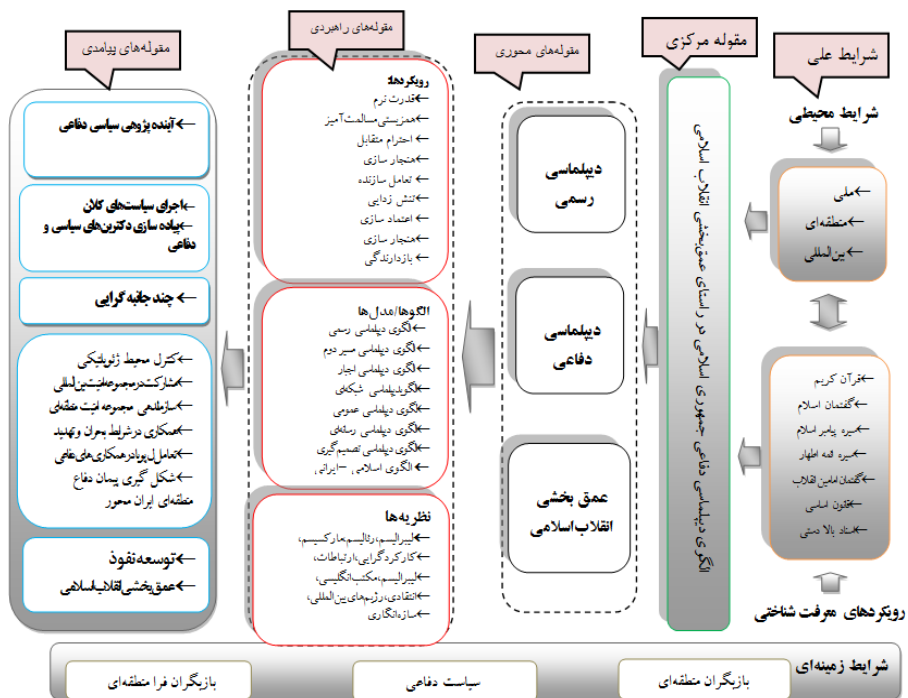
نشانه دیپلماسی دفاعی را می‌توان در اقداماتی از جمله بازدارندگی موسع راهبردی، گسترش توانایی اقدام متقابل، اقناع راهبردی، تولید ادراک امنیتی و تصویرسازی راهبردی، کنترل مناقشه و مشارکت در فرایندهای مدیریت بحران دانست. هریک از رویکردهای مطرح جلوه‌هایی از چندجانبه‌گرایی را منعکس می‌سازد. پس هرگاه صحبت از چندجانبه‌گرایی راهبردی می‌شود به‌مفهوم آن است که می‌توان زمینه‌های لازم برای قدرت‌سپاری، امنیت‌سازی و گسترش راهبرد معطوف به امنیت چندجانبه را فراهم نمود.

دیپلماسی دفاعی را باید بخشی از راهبرد جمهوری اسلامی در حوزه دفاعی عمق‌بخشی دانست. در ارتباط سیاست دفاعی به‌عنوان بالاترین سند دفاعی کشور، تعیین‌کننده ماهیت و ساختار سیستم دفاعی کشور در ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری محسوب می‌شود. به‌عبارت روشن‌تر، اینکه سیاست دفاعی کشور بر رویکرد تهدیدمحور یا قابلیت‌محور بنا شده باشد، تأثیر مستقیم و عمیقی بر راهبرد دفاعی، دیپلماسی دفاعی و صنایع دفاعی خواهد داشت. در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، رابطه مستقیمی بین فرایندهای قابلیت‌محور با نشانه تهدید محیط منطقه‌ای وجود دارد. با توجه به پارامترهای یادشده، در روند سازمان‌دهی دیپلماسی دفاعی، می‌توان نشانه‌ای از قالب‌های گفتمانی و الگوهای راهبردی را مورد ملاحظه قرار داد که زمینه‌های لازم برای عمق‌بخشی انقلاب اسلامی را



فراهم می‌سازد.

بر اساس مطالعات انجام شده مبتنی الگوی دیپلماسی دفاعی، شرایط زمینه‌ای این طرح بر مبنای «بازیگران منطقه‌ای»، «بازیگران فرامنطقه‌ای» و «سیاست دفاعی» است که متأثر از شرایط علی (شرایط محیطی)، مقوله مرکزی متناسب با دال مرکزی طرح، مقوله‌های محوری شامل «دیپلماسی، دیپلماسی دفاعی، عمق بخشی انقلاب اسلامی»، مقوله‌های راهبردی مبتنی بر «رویکردها، الگوها و نظریه‌ها» و مقوله‌های پیامدی بر اساس آینده پژوهی سیاسی - دفاعی، اجرای سیاست‌های کلان و دکترین‌های سیاسی و دفاعی با محوریت چندجانبه‌گرایی است که معطوف به تأمین منافع ملی ذیل شاخصه‌هایی چون: کنترل محیط ژئوپلیتیکی، مشارکت در مجموعه امنیت بین‌المللی، سازمان‌دهی امنیت منطقه‌ای، همکاری در شرایط بحران و تهدید، تعامل پویا در همکاری‌های دفاعی و شکل‌گیری پیمان دفاع منطقه‌ای ایران محور امکان‌پذیر است. فرایند توسعه نفوذ و عمق بخشی انقلاب اسلامی در محیط پیرامونی و جهانی متناسب با شکل و محتوای رویکردهای مطروحه ضرورتی راهبردی است که در ذیل به صورت مفصل‌بندی (ساختار) ترسیم می‌گردد.



نمودار ۱. مدل ساختاری پژوهش؛ منبع: حاجی زاده، ۱۳۹۷

در جهت دستیابی به رسالت اصلی مقاله «الگوی دیپلماسی دفاعی مبتنی بر عمق‌بخشی انقلاب اسلامی» به‌صورت میدانی، مصاحبه‌های متعددی با ۱۸ نفر از صاحب‌نظران برجسته در عرصه دفاعی و سیاسی به‌عنوان اعضای نمونه انجام شد، که برای این منظور سعی شد با استفاده از روش تحلیل محتوا، داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان، تحلیل و سپس به الگوی مناسب دست یابد.

جدول ۸. مقوله‌های حاصل از مصاحبه‌ها

مؤلفه‌ها	مقوله‌ها
توسعه همه‌جانبه و افزایش قدرت دفاعی در ابعاد مختلف، تقویت اقتدار و امنیت ملی، قدرت ملی و تقویت و توسعه توان و آمادگی‌های دفاعی	ارتقای جایگاه نظامی ایران، طراحی و توسعه الگوها و برنامه‌های دفاعی، متنوع محصولات و قابلیت‌های راهبردی دفاعی، تولید و تبدیل قالب‌های گفتمان دفاعی - امنیتی به راهبرد ملی اثربخش، سازنده و کارآمد، مردمی‌کردن دفاع بر پایه راهبرد دفاع همه‌جانبه، توسعه امنیت بومی داخلی؛
تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها	کنترل تهدیدات به‌منظور امنیت‌افزایی و امنیت‌بخشی، کنترل و مقابله با تهدیدهای مشترک به‌منظور جلوگیری از غافل‌گیری راهبردی، مصونیت و کاهش هزینه‌های سیاسی نظامی، تولید و به‌کارگیری قدرت راهبردی برای پیشگیری و مقابله با تهدیدات، استفاده از ظرفیت‌های درونی و بیرونی برای تهدیدزدایی و فرصت‌سازی، کنترل تهدیدات از طریق متقاعدسازی؛
متنوع‌سازی رویکردها و ابزارهای دیپلماسی دفاعی	متنوع‌سازی فعالیت‌های سیاسی دفاعی در جهت تقویت قدرت راهبردی، حداکثرسازی مطلوبیت‌های دفاعی و امنیتی، زمینه‌سازی برای تأمین حداکثرسازی منافع ملی، تقویت و توسعه اندیشه‌های راهبردی با ابزارهای متنوع سیاسی و نظامی، تأثیرگذاری و اثربخشی بر محیط منطقه‌ای و فرایندهای سیاست بین‌الملل با رویکردهای دیپلماسی دفاعی، امنیت‌سازی و ثبات‌آفرینی با احیای کارآمدی فرایندهای دیپلماسی دفاعی؛
تولید ادراک امنیتی و تصویرسازی راهبردی دفاعی	ذهنیت‌سازی و تصویرسازی در منازعات امنیتی، ادراک‌سازی در راهبرد دفاعی، تولید انگاره‌های ذهنی - عینی، هویتی - هنجاری و ادراکی - تصویری در سیاست دفاعی، نمادسازی، الگوسازی در فضای ذهنی رویکردهای دفاعی؛
تقویت اتحاد و هم‌دلی	فرهنگ‌سازی و ظرفیت‌سازی برای تحقق اتحاد ملی، تبیین وفاق مردم حول محور حاکمیت و نظام سیاسی، توسعه و گسترش همکاری‌های ملی، وجود انگاره‌های اسلامیت و ایرانیت در حوزه سرزمینی، اتحاد ملی عامل هم‌بستگی اجتماعی؛
تحرك‌بخشی و چابک‌سازی وزارت دفاع در حوزه‌های ساختاری و اجرایی	فعال‌کردن مجموعه‌های سیاسی، پژوهشگران و دانشگاهیان در طرح‌ریزی دفاعی و راهبردی، بهره‌گیری از ابزارهای متنوع سیاسی و دفاعی برای تحقق اهداف راهبردی، تحول در مأموریت‌ها و بازآرایی قابلیت‌های دفاعی، چندمنظوره‌کردن قابلیت‌ها و پتانسیل‌های وزارت دفاع در حوزه‌های مختلف، کوچک‌سازی، فعال‌سازی و چابک‌سازی نیروهای وزارت دفاع در شرایط گوناگون؛



ادامه جدول ۸. مقوله‌های حاصل از مصاحبه‌ها

مؤلفه‌ها	مقوله‌ها
توانمندسازی معنوی و حرفه‌ای کارکنان نیروهای مسلح	توسعه فرهنگ مهارت‌آموزی، تربیت نیروی کار ماهر و متخصص در نیروهای مسلح، توسعه ظرفیت‌ها و مهارت‌های کارکنان نیروهای مسلح در حوزه‌های مختلف، تبدیل مراکز مختلف نیروهای مسلح به مراکز توانمندسازی و حرفه‌آموزی نیروهای مسلح، نهادینه کردن نهضت خودکفایی در ساختار نیروهای مسلح، استفاده از تجربه نیروهای مسلح در قرارگاه فرماندهی اقتصاد مقاومتی به سایر حوزه‌ها، پررنگ کردن نقش اقتصاد مقاومتی در نیروهای مسلح به‌عرصه عمومی؛
هم‌سوسازی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی دفاعی	تشریح مساعی دو حوزه سیاسی و دفاعی کارگزاران آن پیرامون دست‌خده‌های ملی و منطقه‌ای، تبادل تجربه و اطلاعات بین سیاست خارجی و دیپلماسی دفاعی، به‌کارگیری دستگاه سیاست خارجی از برنامه‌ها، اهداف و عملکرد دیپلماسی دفاعی، نگاه طولی دستگاه دیپلماسی به دیپلماسی دفاعی (لازم و ملزوم)؛
تقویت هم‌گرایی با ارتش کشورهای هم‌سوی با نظام جمهوری اسلامی ایران	حمایت مادی و معنوی از نظامیان و ارتش‌های هم‌سوی، تشکیل هسته‌های مقاومت، هم‌سویی با کشورهای مسلمان در عرصه‌های دفاعی و سیاسی، تشکیل ارتش ایدئولوژیک، حمایت از جریان‌ها و جنبش‌های هم‌سوی، تقویت زیرساخت‌های مقاومت در منطقه، تولید ادبیات و گفت‌وگوهای مقاومت در منطقه؛
بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام و انقلاب در دفاعی	بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام، تعالیم پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) در فهم و برقراری مناسبات دفاعی، ترویج گفتمان و اندیشه‌های راهبردی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در اندیشه دفاعی، تأثیرگذاری بر محیط منطقه‌ای را از طریق سازوکارهای گفتمانی انقلاب اسلامی در پرتوی انگاره‌های نظامی و دفاعی، تقویت و توسعه فرآورده‌های دفاعی و نظامی انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه‌ای، بهینه‌سازی اندیشه دفاعی با استفاده از نظریه اسلامی - ایرانی پیشرفت و صدور آن به کشورهای اسلامی، خلق گفتمان‌های منطقی و دارای مقبولیت منطقه‌ای به‌منظور جهت‌دهی و مشروعیت‌بخشی انقلاب اسلامی از منظر مناسبات دفاعی؛
تلاش برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای	پیشگیری از تضادها و منازعات سیاسی منطقه‌ای، حل و فصل سوء تفاهم‌ها، اختلافات، منازعات و کشمکش‌های منطقه‌ای، کاهش سطح اختلاف‌ها با بازیگران، مدیریت مبتنی بر عقلانیت در زمینه مرتفع‌سازی بحران‌های منطقه‌ای، تشریح مساعی با کشورهای منطقه‌ای برای کنترل بحران‌های منطقه‌ای؛
حمایت مادی و معنوی از جریان بیداری اسلامی	حمایت از موج اسلام‌خواهی و جنبش‌های اسلامی، حمایت مادی و معنوی از مردم برای مبارزه با تحقیر تاریخی، تقویت و ترویج اسلام‌خواهی و تکثیر روزافزون شعارهای اسلامی در جهان اسلام، آگاهی‌بخشی به مردم در جهت بیداری اسلامی، فراگیر کردن گفتمان بیداری اسلامی در بین ملت‌های مسلمان، تقویت و تکثیر الگوی انقلاب اسلامی ایران، زنده‌نگه داشتن تحولات بیداری اسلامی در نزد ملت‌ها؛

ادامه جدول ۸. مقوله‌های حاصل از مصاحبه‌ها

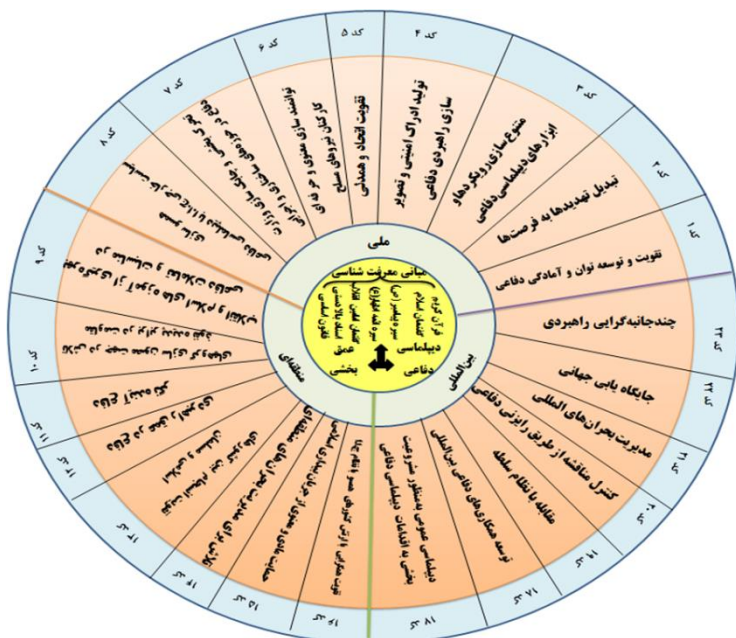
مؤلفه‌ها	مقوله‌ها
تقویت انسجام بین کشورهای اسلامی و مسلمان	هم‌افزایی با مسائل جهان اسلام، دفاع انقلابی از مواضع کشورهای اسلامی، تأکید بر پیوندهای جهان اسلام، فراگیرسازی ارتباطات اسلامی، بازطراحی و مهندسی گفت‌وگو بین مذاهب اسلامی، تقویت نمادهای مطرح در سطح جهان اسلام، تشکیل اتحادیه جهان اسلام، تقویت هم‌گرایی و گفت‌وگوی بین مذاهب در سطح علمای اسلامی، پرهیز از واگرایی کشورهای جهان اسلام، توسعه مناسبات دفاعی همه‌جانبه با جهان اسلام؛
دفاع در عمق راهبردی	مدیریت جهادی دفاعی، تعریف عمق استراتژیک دفاعی در بیرون از مرزهای کشور، ایجاد هم‌بستگی دفاعی با ارتش کشورهای هم‌سوس، تبیین راهبرد دفاعی در محیط هم‌سو با انقلاب اسلامی؛
مصون‌سازی گروه‌های مقاومت در برابر پدیده نفوذ	جلوگیری از تضعیف الگوهای مقاومت، ممانعت از نفوذ و استحاله‌کردن جریان مقاومت، تقویت مقاومت در لایه‌های مختلف مردمی، تکثیر جریان مقاومت برای جلوگیری از ریسک نفوذ، مصون‌سازی و تثبیت روحیه مقاومت به‌عنوان اصلی پایدار؛
دفاع آینده‌نگر	آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری راهبردهای دفاعی، تبیین آینده چشم‌انداز دفاع در آینده، ایجاد الگوی تعامل دفاعی - فناورانه در آینده، آینده‌نگری دقیق از تهدیدات و چالش‌های گوناگون، ترسیم افق رویکردهای دیپلماسی دفاعی در بازه زمانی معطوف به آینده، پیش‌بینی و جهت‌دهی به نقش دفاع در آینده؛
توسعه همکاری‌های دفاعی بین‌المللی	انعقاد پیمان‌های دفاعی دو یا چندجانبه، فعال‌سازی نخ‌بگان نظامی و دفاعی در اجلاس‌های دفاعی - امنیتی بین‌المللی، توسعه همکاری‌های آموزشی، ایفای نقش در روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بین‌المللی، مدیریت هوشمندانه مناسبات دفاعی، تعامل با جامعه جهانی در جهت مبارزه با تروریسم؛
مدیریت بحران‌های بین‌المللی	پیشگیری از اقدامات پرمخاطره بازیگران بین‌المللی، ایفای نقش مسئولیت‌پذیرانه، پیشگیری از اعمال تهدیدات، متنوع‌سازی الگوی مقابله با تهدیدات، مدیریت مناقشات، منازعات بین‌المللی، کنش دیپلماتیک در همه سطوح، پیشگیری از تسری آثار منفی ناشی از بحران‌های بین‌المللی به داخل کشور، مهندسی، پیرایش و بازطراحی محیط دفاعی، امنیتی و سیاسی مناطق مورد مناقشه، ممانعت از امنیتی‌شدن موضوعات راهبردی سیاسی - دفاعی در روابط با سایر بازیگران، مدیریت اقدامات غافل‌گیرانه سایر بازیگران در منطقه و جهان؛
چندجانبه‌گرایی	تعامل‌گرایی سازنده، اعتمادسازی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، هنجارسازی، احترام متقابل، تنش‌زدایی، بازدارندگی؛
مقابله با نظام سلطه	به‌چالش‌طلبیدن تئوری‌های نظام سلطه، نقد هژمون قدرت‌های بزرگ در سیاست بین‌الملل، نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، مقابله با هژمون سلطه (استکبار جهانی)، عدم تعهد در برابر قدرت‌های بزرگ، عدم تسلیم در برابر نظام سلطه؛



ادامه جدول ۸. مقوله‌های حاصل از مصاحبه‌ها

مقوله‌ها	مؤلفه‌ها
کنش راهبردی برای متقاعدسازی سایر بازیگران، مدیریت منازعات در حوزه‌های دفاعی و امنیتی، اقناع راهبردی از طریق تبادل اطلاعات، همکاری مشترک دفاعی در ائتلاف و اتحاد، اقدامات پیشگیرانه با اعمال سیاست‌های برون‌مرزی، کاهش سطح تنش از طریق رایزنی دفاعی، فعال‌سازی رویکردهای دفاعی در جهت پیشگیری از مخاصمات؛	کنترل مناقشه از طریق رایزنی دفاعی
استفاده از جایگاه دیپلماسی عمومی در عرصه دفاع، توسعه رویکردهای دیپلماسی دفاعی در پرتوی دیپلماسی عمومی، نقش دیپلماسی عمومی در کارآمدی و اثربخشی دیپلماسی عمومی، داشتن قابلیت ابزاری، گفتمانی و نهادی برای مشروعیت‌سازی، دیپلماسی دفاعی، کارآمدسازی دیپلماسی دفاعی از منظر دیپلماتیک و رسانه‌ای، تعامل دیپلماتیک در ارتباط با موضوعات راهبردی از طریق دیپلماسی دفاعی و امنیتی، زمینه‌یابی و بسترسازی برای افکار عمومی در جهت توسعه اقدامات دیپلماسی دفاعی؛	به‌کارگیری دیپلماسی عمومی به‌منظور مشروعیت‌بخشی به اقدامات دیپلماسی دفاعی
ایفای نقش در محیط بین‌المللی، مشارکت برای همکاری راهبردی، اتخاذ تصمیمات راهبردی به‌منظور تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، توسعه مناسبات دفاعی جهانی، انعطاف‌پذیری راهبردی در مناسبات جهانی بر اساس نرمش قهرمانانه، تقویت برخوردهای خردمندانه در منازعات جهانی، نقشه راه همکاری‌ها در بخش نظامی و دفاعی بین‌المللی، توسعه عمق راهبردی هوشمند در سطح جهانی؛	جایگاه‌یابی جهانی

در این مرحله داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با ۱۸ نفر از صاحب‌نظران برجسته، از طریق مفهوم‌سازی، استخراج و سپس نسبت به پالایش ویرایش مفاهیم حاصل از آن، اقدام شد. در ادامه برای شناسایی مقوله‌ها و نام‌گذاری آنها سعی شد که مفاهیم مشترک و مشابهی در قالب یک مقوله با سازمان‌دهی و عنوانی مناسب انتخاب شود که بیشترین ارتباط منطقی را با داده‌هایی که مفاهیم، نمایانگر آن است داشته باشد. برای این منظور الگویی مناسب با این طرح ترسیم گردید.



نمودار ۲. الگوی حاصل از یافته‌های مصاحبه

ارزیابی و تطبیق الگو با تحلیل داده‌ها

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در مورد هریک از مؤلفه‌های اساسی پژوهش ارائه، و در ادامه با یافته‌های پژوهش‌های قبلی مورد مقایسه قرار گرفت.

پاسخ سؤال اول: ابعاد الگوی دیپلماسی دفاعی به‌منظور عمق‌بخشی به انقلاب اسلامی کدام‌یک از موارد است؟

در طراحی الگوی دیپلماسی دفاعی در راستای عمق‌بخشی به انقلاب اسلامی از رویکردی جامع و بر اساس رهیافت چندجانبه‌گرایانه استفاده شد که در کنار توجه به شرایط داخلی به‌طور هم‌زمان دربردارندهٔ رویکردی منطقه‌ای و بین‌المللی بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که: الگوی دیپلماسی دفاعی در راستای عمق‌بخشی انقلاب اسلامی، مبتنی بر ویژگی‌ها و انگاره‌های ایدئولوژیکی، ژئوپلیتیکی و فرهنگی - تمدنی است که دارای ۳ بعد ملی (با ۸ مقولهٔ فرعی) است.

پاسخ سؤال دوم: مؤلفه‌های الگوی دیپلماسی دفاعی به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی کدام‌یک از موارد است؟

برای دستیابی به پاسخ این سؤال، ابتدا مفاهیم اولیه از طریق مفهوم‌سازی، بر روی



داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها استخراج و سپس در مرحله بعد نسبت به پالایش و ویرایش مفاهیم حاصل از آن، اقدام می‌شود. سپس برای شناسایی مؤلفه‌های الگو و نام‌گذاری آنها که مفاهیم مشترکی در قالب یک مؤلفه سازمان‌دهی شده است و سعی شد عنوان مناسبی انتخاب شود که بیشترین ارتباط منطقی را با داده‌هایی که مفاهیم، نمایانگر آن است داشته باشد. با توجه به توضیحات فوق ۲۳ مؤلفه مطابق جدول ۹ شناسایی و نام‌گذاری شد.

پاسخ سؤال سوم: شاخص‌های الگوی دیپلماسی دفاعی به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی کدام‌یک از موارد هستند؟

برای دستیابی به پاسخ سؤال، با استخراج مفاهیم حاصل از مصاحبه‌ها، تعداد ۲۷۰ شاخص احصا شده که به دلیل حجم زیاد آن قابلیت درج آنها در این مقاله نیست.

پاسخ سؤال چهارم: روابط بین ابعاد الگوی دیپلماسی دفاعی به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی چگونه است؟

برای دستیابی به پاسخ سؤال، در خصوص روابط بین ابعاد الگوی دیپلماسی دفاعی به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی، محقق به دنبال سرنخ‌هایی در داده‌ها و یا پیشینه پژوهش بوده مبنی بر اینکه، مقوله‌های اصلی (ابعاد) چه ارتباطی می‌توانند با یکدیگر داشته باشند. روابط تنظیم شده در بین مقوله‌های اصلی چندین مرتبه با متن داده‌ها مطابقت داده شد، و تحلیلگر به‌طور مداوم به تفکر استقرایی و قیاسی پرداخت، به این معنی که مفاهیم، مقوله‌ها و روابط بین آنها را از متن موردنظر استنتاج کند (تفکر استقرایی) و آنها را با چهارچوب نظری و پیشینه پژوهش مقایسه کند (تفکر قیاسی). نتایج تفکر استقرایی و قیاسی در خصوص روابط بین ابعاد الگوی دیپلماسی دفاعی به‌منظور عمق‌بخشی انقلاب اسلامی نشان داد که بین آنها نوعی کنش و رابطه تعاملی وجود دارد که موجب می‌شود بر یکدیگر اثر متقابل داشته باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر، بررسی الگوی دیپلماسی دفاعی در راستای عمق‌بخشی انقلاب اسلامی بود. بر اساس مطالعات انجام شده، تاکنون تحقیق یا پژوهش علمی و جامعی در خصوص الگوی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر عمق‌بخشی انقلاب اسلامی صورت نگرفته است. لذا در تحقیق حاضر با بهره‌گیری از رویکردهای معرفت‌شناسی مبتنی بر پارادایم‌ها و ارزش‌های بنیادین اسلام، قرآن، پیامبر(ص)، ائمه اطهار(ع) و گفتمان امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی)، دکتربین‌ها، سیاست‌های کلان، اسناد بالادستی، قانون اساسی و نیز رویکردهای مرتبط با چهارچوب



تحقیق که بر اساس ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها است، سعی شد الگوی موردنظر تبیین گردد. این مبنا در پرتوی توجه به مفاهیم، ادبیات پژوهش و یافته‌های حاصل از مصاحبه عمیق صورت گرفت. هدف انجام مصاحبه در این تحقیق، شناسایی ابعاد مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی تحقیق و ساخت پرسش‌نامه برای مرحله کمی تحقیق بود؛ لذا در این مرحله با استفاده از روش مصاحبه ساختاریافته، تعدادی سؤال باز پاسخ بر مبنای پژوهش مطرح شده تهیه و در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. در حین انجام مصاحبه نیز در صورت لزوم با طرح سؤال‌های موشکافانه و عمیق‌تر سعی شد، اطلاعات کافی و مناسب تهیه و جمع‌آوری شود. مصاحبه‌ها، از طریق یادداشت‌برداری، ضبط مکالمات و با استفاده از روش تحلیل محتوا، موضوعاتی را که از نظر مصاحبه‌شوندگان دارای اهمیت و فراوانی بیشتری بودند، از متن یادداشت‌ها استخراج و طبقه‌بندی گردید. در پایان مصاحبه‌های اولیه، جمعاً ۳ بُعد و ۲۳ مؤلفه که دارای بیشترین تکرار بود، به دست آمد.

مقوله‌های تقویت، توسعه توان و آمادگی‌های دفاعی، رابطه مثبت و معناداری با برخی از یافته‌های این تحقیق از جمله: توسعه و افزایش همه‌جانبه قدرت دفاعی در ابعاد مختلف، تقویت اقتدار و امنیت ملی، قدرت ملی و ارتقای جایگاه نظامی ایران، توسعه الگوها و برنامه‌های دفاعی، متنوع‌سازی محصولات و قابلیت‌های راهبردی دفاعی، تولید و تبدیل قالب‌های گفتمان دفاعی - امنیتی به راهبرد ملی اثربخش، سازنده و کارآمد، مردمی‌کردن دفاع بر پایه راهبرد دفاع همه‌جانبه، توسعه امنیت بومی داخلی، تقویت امنیت و اقتدار ملی با تأکید بر رشد، عمق‌بخشی علمی و فناوری، مشارکت و ثبات قدرت سیاسی و نظامی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی، ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکارعمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدات و حفاظت از منافع و منابع ملی و حیاتی کشور و انقلاب اسلامی، توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب، بالابردن توان کمی و کیفی بسیج مردمی، تقویت، توسعه، نوسازی و بومی‌سازی صنایع دفاعی کشور با تأکید بر گسترش تحقیقات و سرعت‌دادن به اشتغال و فناوری‌های پیشرفته در جهت تبیین و پیاده‌سازی دکترین دفاعی کشور دارد. این یافته با نتایج تحقیق ساعد (۱۳۸۹)، ساعد و علیدوستی (۱۳۹۰)، پیرمحمدی (۱۳۹۲)، میرزایی و دیگران (۱۳۹۳)، مینایی و دیگران (۱۳۹۵)، پوستین‌چی و متقی (۱۳۹۱) و ذوالفقاری، خسروی (۱۳۹۵) هم‌سو بود. چراکه برخی از داده‌ها در مقاله آنان بسط داده شده است. برخی از مقولات مطرح‌شده، همچنین بر اساس دیدگاه کیمپ (۲۰۰۰)، رویکرد مورگان (۱۳۸۱)، نگاه لیک (۱۳۸۱)، تحقیق احتشامی (۱۳۷۸)، یافته‌های رمضانی (۱۳۸۰) و پژوهش فرهی (۲۰۰۱) هم‌خوانی دارد. این یافته با



رویکردهای محتوایی، توسعه‌گرایی، بازدارندگی، با مدل اسلامی - ایرانی و با نظریه‌ی رژیم‌های بین‌المللی هم‌خوانی دارد؛ زیرا به‌عنوان بخشی از راهبرد امنیت‌سازی از طریق کسب، نمایش و توسعه‌ی قدرت و رویکرد توسعه‌گرایی به‌عنوان درونی کردن محصول با توجه به محدودیت‌ها، امکانات و رویکرد بازدارندگی از این لحاظ که اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات است که برای پیشگیری از امور خصمانه‌ی دشمن صورت می‌گیرد، هم‌خوانی دارد. با توجه به اینکه طیفی از رویکردها، مدل‌ها و نظریه‌ها با این یافته هم‌سو است در نتیجه از اعتبار بالایی برخوردار است. در مجموع این یافته‌ها نشان می‌دهد، مقوله «تقویت، توسعه‌ی توان و آمادگی‌های دفاعی» با توجه به قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران در شرایط تهدید در محیط آنارشی منطقه‌ای نه‌تنها ضروری، بلکه لازم است؛ به این دلیل که تقویت بنیه‌ی دفاعی کشور موجب ارتقای جایگاه، هژمونی در سلسله‌مراتب قدرت و تقویت چانه‌زنی در مناسبات بین‌المللی در جهت کسب مطلوبیت‌های راهبردی می‌شود.

تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها دومین یافته‌ای است که ارتباط مؤثر و معناداری با مقوله‌هایی چون: کنترل تهدیدات به‌منظور امنیت‌زایی، امنیت‌افزایی و امنیت‌بخشی، کنترل و مقابله با تهدیدهای مشترک به‌منظور جلوگیری از غافل‌گیری راهبردی، کاهش هزینه‌های سیاسی - نظامی با استفاده از اقدامات پیشگیرانه، تولید و به‌کارگیری قدرت راهبردی برای پیشگیری، تقویت مقوله‌ی بازدارندگی در جهت دفع تهدیدات، استفاده از ظرفیت‌های درونی و بیرونی برای تهدیدزدایی و فرصت‌سازی، کنترل تهدیدات از طریق رایزنی و متقاعدسازی، و ایجاد سامانه‌ی مناسب جهت توسعه‌ی عملیات روانی به‌صورت فراگیر در جهت مقابله با رویکردهای روانی بیگانگان دارد. این یافته با رویکردهای محتوایی، توسعه‌گرایی، مشروعیت‌سازی، چندجانبه‌گرایی، هنجارسازی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تعامل سازنده، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، قدرت نرم و با مدل‌های دیپلماسی شبکه‌ای، عمومی، رسانه‌ای و مبتنی بر تصمیم‌گیری و دیپلماسی اسلامی - ایرانی و با نظریه‌های شبکه‌ای، عمومی، رسانه‌ای و مبتنی بر تصمیم‌گیری، دیپلماسی اسلامی - ایرانی و با نظریه‌های لیبرالیسم، کارکردگرایی، ارتباطات، لیبرالیسم، مکتب انگلیسی، نظریه‌ی انتقادی، سازه‌نگاری، رژیم‌های بین‌المللی هم‌سو است. این یافته با نتایج تحقیق بلوچی (۱۳۸۹)، ذوالفقاری، خسروی (۱۳۹۵)، پوستین‌چی، متقی (۱۳۹۱)، مینایی و دیگران (۱۳۹۵) و ساعد (۱۳۸۹) هم‌سو است. همچنین با دیدگاه کمپ (۲۰۰۰)، رویکرد مورگان (۱۳۸۱)، نگاه لیک (۱۳۸۱)، تحقیق احتشامی (۱۳۷۸)، یافته‌های رضانی (۱۳۸۰) و پژوهش فرهی (۲۰۰۱) هم‌خوانی دارد. این یافته با رویکرد محتوایی به‌عنوان بخشی از راهبرد امنیت‌سازی از طریق کسب، نمایش و توسعه‌ی قدرت و رویکرد توسعه‌گرایی به‌عنوان

درونی کردن محصول با توجه به محدودیت‌ها و امکانات، هم‌خوانی دارد و از اعتبار بالایی برخوردار است. در شرایطی که منطقه در موقعیت بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی قرار دارد و به‌تعبیری در وضعیت آنا‌رشی است، انجام اقداماتی که به‌هرنحوی از انجا موجبات امنیت‌زایی و تهدیدزدایی و ثبات‌سازی شود منجر به ثبات مؤلفه‌های قدرت ملی در عرصه داخلی و خارجی می‌شود. این مقوله با توجه به هم‌خوانی بیشتر رویکردها، مدل‌ها و نظریه‌ها از اعتبار بالایی برخوردار است.

متنوع‌سازی رویکردها و ابزارهای دیپلماسی دفاعی ارتباط مؤثر و معناداری با مقولاتی مانند: متنوع‌سازی فعالیت‌های سیاسی دفاعی در جهت تقویت قدرت راهبردی، حداکثرسازی مطلوبیت‌های دفاعی و امنیتی با ابزارهای گوناگون، زمینه‌سازی برای تأمین حداکثری منافع ملی با بهره‌گیری از الگوهای چندمنظوره، تقویت و توسعه اندیشه‌های راهبردی با رویکردهای متنوع سیاسی و نظامی، تأثیرگذاری و اثربخشی بر محیط منطقه‌ای و فرایندهای سیاست بین‌الملل با استفاده از ابزارهای دیپلماسی دفاعی، امنیت‌سازی و ثبات‌آفرینی با احیای کارآمدی فرایندهای دیپلماسی دفاعی دارد. یافته به‌دست‌آمده با بسیاری از رویکردها، از جمله: دیپلماسی شبکه‌ای، عمومی، رسانه‌ای و مبتنی بر تصمیم‌گیری، اسلامی - ایرانی، و مدل‌های رسمی، مسیر دوم، اجبار و نظریه‌های کارکردگرایی، ارتباطات، مکتب انگلیسی، نظریه انتقادی، سازه‌نگاری، رژیم‌های بین‌المللی و رویکردهای محتوایی، توسعه‌گرایی، مشروعیت‌سازی، چندجانبه‌گرایی و بازدارندگی هم‌سو است و با نتایج تحقیق بلوچی (۱۳۸۹)، ذوالفقاری، خسروی (۱۳۹۵)، پوستین‌چی و متقی (۱۳۹۱)، مینایی و دیگران (۱۳۹۵)، ساعد (۱۳۸۹)، ساعد و علیدوستی (۱۳۹۰)، کمپ (۲۰۰۰)، لیک (۲۰۰۵)، احتشامی (۲۰۰۱)، رضانی (۲۰۰۴)، فرهی (۲۰۰۱) هم‌خوانی دارد. این یافته نشان می‌دهد کسب منافع ملی به‌عنوان جوهر اصلی قدرت هر کشور محسوب می‌شود که در شرایط امروزی به‌عنوان یک موضوع راهبردی با بهره‌گیری از ابزارهای متنوع دیپلماسی امکان‌پذیر است.

تولید ادراک امنیتی و تصویرسازی راهبردی دفاعی به‌عنوان یکی از یافته‌های این تحقیق است که ارتباط مؤثر و معناداری با ذهنیت‌سازی و تصویرسازی در منازعات امنیتی، ادراک‌سازی در راهبرد دفاعی، تولید انگاره‌های ذهنی - عینی، هویتی - هنجاری و ادراکی - تصویری در سیاست دفاعی، نمادسازی و برندسازی، الگوسازی در فضای ذهنی رویکردهای دفاعی دارد. این مقوله در نتایج یافته‌های دیگران به‌غیر از متقی پرداخته نشده بود، اما در محتوای متن مصاحبه تحت‌عنوان مدیریت ادراک و برداشت از دیپلماسی چنین برداشت می‌شود که: دیپلماسی دفاعی مبتنی بر زیرساخت‌های انتزاعی است که عامل



مهمی در عملیاتی شدن فرایندها محسوب می‌شود. این یافته با نتایج تحقیق متقی (۱۳۹۱) و با رویکردهای محتوایی، توسعه‌گرایی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تعامل سازنده، هنجارسازی، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، مسالمت‌آمیز هم‌سو است و با مدل دیپلماسی مسیر دوم، عمومی، رسانه‌ای، شبکه‌ای و مبتنی بر تصمیم‌گیری و شبکه‌ای و با نظریه‌سازهانگاران و انتقادی و با مدل‌های دیپلماسی مسیر دوم، عمومی، رسانه‌ای، شبکه‌ای و مبتنی بر تصمیم‌گیری هم‌سو است و با نتایج تحقیق مینایی و دیگران (۱۳۹۵)، پیرمحمدی (۱۳۹۲)، کیمپ (۲۰۰۰)، مورگان (۱۳۸۱)، لیک (۱۳۸۱)، احتشامی (۱۳۷۸)، رضانی (۱۳۸۰) و فرهی (۲۰۰۱) هم‌خوانی دارد. سنخیت این مقوله با بسیاری از رویکردها، مدل‌ها و نظریه‌ها نشان می‌دهد که از اعتبار بالایی برخوردار است. ذهنیت‌سازی و تصویرسازی مطلوب به‌عنوان پارامتری تعیین‌کننده، نقشی مهم در منازعات سیاسی و دفاعی منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و از سوی دیگر نقشی مهم در زمینه‌نمادسازی، برندسازی و الگوسازی در جهت عمق‌بخشی راهبردی به شمار می‌رود.

تقویت اتحاد و همدلی ارتباط مؤثر و معناداری با فرهنگ‌سازی و ظرفیت‌سازی برای تحقق اتحاد ملی، تبیین وفاق مردم حول محور حاکمیت و نظام سیاسی، توسعه و گسترش همکاری‌های ملی، وجود انگاره‌های اسلامیت و ایرانیت در حوزه‌سرزمینی، اتحاد ملی عامل هم‌بستگی اجتماعی و کثرت در عین وحدت در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد. این یافته با رویکردهای محتوایی، مشروعیت‌سازی و مسالمت‌آمیز با مدل‌های اسلامی - ایرانی و شبکه‌ای و با نظریه‌سازهانگاران هم‌سو است و با نتایج تحقیق مینایی و دیگران (۱۳۹۵)، پیرمحمدی (۱۳۹۲)، کیمپ (۲۰۰۰)، مورگان (۱۳۸۱)، لیک (۱۳۸۱)، احتشامی (۱۳۷۸)، رضانی (۱۳۸۰) و فرهی (۲۰۰۱) هم‌خوانی ندارد. این یافته در پرتوی اتحاد و هم‌بستگی اجتماعی در داخل، دیپلماسی دفاعی از کارآمدی، توانمندی و مطلوبیت لازم برای اثربخشی در محیط پیرامون برخوردار است.

تحرك بخشی و چابک‌سازی وزارت دفاع در حوزه‌های ساختاری و اجرایی ارتباط مؤثر و معناداری با فعال‌سازی نخبگان سیاسی و دفاعی در طرح‌ریزی دفاعی و راهبردی، بهره‌گیری از ابزارهای متنوع سیاسی و دفاعی برای تحقق برنامه‌های راهبردی، تحول در مأموریت‌ها و بازآرایی قابلیت‌های دفاعی در جهت کارآمدی حداکثری، چندمنظوره‌کردن قابلیت‌ها و پتانسیل‌های وزارت دفاع در حوزه‌های مختلف، کوچک‌سازی، فعال‌سازی و چابک‌سازی نیروهای وزارت دفاع در شرایط گوناگون دارد. این مقوله با رویکرد محتوایی، توسعه‌گرایی، مشروعیت‌سازی، چندجانبه‌گرایی و بازدارندگی با مدل دیپلماسی اسلامی - ایرانی و تصمیم‌گیری و با نظریه‌رئالیسم و ارتباطات هم‌سو است و با نتایج یافته‌های ساعد

و علیدوستی (۱۳۹۰)، انعامی علمداری (۱۳۹۴)، پیرمحمدی (۱۳۹۲)، مینایی و دیگران (۱۳۹۵)، پوستین‌چی و متقی (۱۳۹۱)، کِمپ (۲۰۰۰)، مورگان (۱۳۸۱)، لیک (۱۳۸۱)، احتشامی (۱۳۷۸)، رضانی (۱۳۸۰) و فرهی (۲۰۰۱) هم‌خوانی دارد. سنخیت این مقوله با بسیاری از رویکردها، مدل‌ها و نظریه‌ها نشان می‌دهد این مقوله از اعتبار بالایی برخوردار است. این یافته نشان می‌دهد، چندانمنظوره‌کردن ساختار و سازمان یک مجموعه با راهبردهایی چون کوچک‌سازی و چابک‌سازی با رویکرد استفاده حداکثری از حداقل امکانات به‌شکل بهینه، زمینه را برای توسعه و الگوشدن آن در سایر مجموعه‌ها فراهم می‌سازد.

توانمندسازی معنوی و حرفه‌ای کارکنان نیروهای مسلح ارتباط مؤثر و معناداری با توسعه فرهنگ مهارت‌آموزی، تربیت نیروی کار ماهر و متخصص در نیروهای مسلح، توسعه ظرفیت‌ها و مهارت‌های کارکنان نیروهای مسلح در حوزه‌های علمی و عملی، تبدیل مراکز مختلف نیروهای مسلح به مراکز توانمندسازی و حرفه‌ای‌سازی نیروی مسلح، نهادینه‌کردن نهضت خودکفایی در ساختار نیروهای مسلح، بهره‌گیری از تجربه نیروهای مسلح در قرارگاه فرماندهی اقتصاد مقاومتی به‌سایر حوزه‌ها دارد. این یافته با نتایج یافته‌های پوستین‌چی و متقی (۱۳۹۱)، ذوالفقاری و خسروی (۱۳۹۵)، کِمپ (۲۰۰۰)، مورگان (۱۳۸۱) و با رویکرد محتوایی، توسعه‌گرایی و قدرت نرم هم‌خوانی دارد. یکی از پارامترهای مهم در کارآمدی و اثربخشی دیپلماسی دفاعی توجه به عنصر نیروی انسانی ورزیده، متخصص و حرفه‌ای است که می‌تواند نقش مؤثری در عملیاتی‌شدن اهداف تبیین‌شده داشته باشد.

براساس یافته‌های این تحقیق مؤلفه‌های هم‌سوسازی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی دفاعی و متنوع‌سازی رویکردها و ابزارهای دیپلماسی دفاعی و به‌کارگیری دیپلماسی عمومی به‌منظور مشروعیت‌بخشی به اقدامات دیپلماسی دفاعی ارتباط مؤثر و معناداری با هم‌افزایی کارگزاران سیاسی و دفاعی، توجه به دغدغه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر تلفیق تجربه و اطلاعات بین مجریان سیاست خارجی و دیپلماسی دفاعی بر اساس تشریک مساعی، به‌کارگیری دستگاه سیاست خارجی از برنامه‌ها، اهداف و عملکرد دیپلماسی دفاعی، نگاه طولی دستگاه دیپلماسی به دیپلماسی دفاعی (لازم و ملزوم)، نشست‌های مشترک نخبگان و مجریان سیاست دفاعی و سیاست خارجی در راستای اهداف و مأموریت سازمانی و نهادی، جلوگیری از هدر رفت اقدامات منابع انسانی وقت و سرمایه ملی دارد. این یافته انواع دیپلماسی شبکه‌ای، عمومی، تصمیم‌گیری، اسلامی - ایرانی، رسمی، مسیر دوم، اجبار و با رویکرد مشروعیت‌سازی، چندجانبه‌گرایی، هنجارسازی، قدرت نرم، بازدارندگی، محتوایی دیپلماسی شبکه‌ای و با



نظریه ارتباطات، رئالیسم، کارکردگرایی، انتقادی، سازه‌انگاری هم‌سو است و با نتایج تحقیقات ساعد (۱۳۸۹)، ساعد و علیدوستی (۱۳۹۰)، انعامی علمداری (۱۳۹۴)، پیرمحمدی (۱۳۹۲)، میرزایی و دیگران (۱۳۹۳)، مینایی و دیگران (۱۳۹۵)، پوستین‌چی و متقی (۱۳۹۱)، ذوالفقاری و خسروی (۱۳۹۵)، بلوجی (۱۳۸۹)، کمپ (۲۰۰۰)، مورگان (۱۳۸۱)، لیک (۱۳۸۱)، احتشامی (۱۳۷۸)، رضانی (۱۳۸۰) و فرهی (۲۰۰۱) هم‌سو است. سنخیت این مقوله با بسیاری از رویکردها، مدل‌ها و نظریه‌ها نشان می‌دهد این مقوله از اعتبار بالایی برخوردار است. این یافته نشان می‌دهد هم‌سوایی و نگاه مبتنی بر جمع‌اندیشی دو حوزه سیاسی و دفاعی بخش عمده‌ای از ضرورت‌های راهبردی نظام از جمله: پایدارسازی امنیت ملی را در قالب مدیریت و کنترل نظم مطلوب در جهت ثبات استراتژیک نظام ضروری می‌سازد.

تقویت هم‌گرایی با ارتش کشورهای هم‌سو با نظام جمهوری اسلامی ایران ارتباط مؤثر و معناداری با حمایت مادی و معنوی از نظامیان و ارتش‌های هم‌سو، تشکیل هسته‌های مقاومت، هم‌سوایی با کشورهای مسلمان در عرصه‌های دفاعی و سیاسی، تشکیل ارتش ایدئولوژیک، حمایت از جریان‌ها و جنبش‌های هم‌سو، تقویت زیرساخت‌های مقاومت در منطقه، تولید ادبیات و گفتمان مقاومت در منطقه دارد. این یافته با مدل‌های دیپلماسی رسمی، مسیر دوم، شبکه‌ای، عمومی، رسانه‌ای، مبتنی بر تصمیم‌گیری، اسلامی - ایرانی، نظریه‌های رئالیسم، کارکردگرایی، ارتباطات، سازه‌انگاری، رژیم‌های بین‌المللی، نظریه انتقادی و رویکردهای محتوایی، توسعه‌گرایی، مشروعیت‌سازی، چندجانبه‌گرایی، هنجارسازی، قدرت نرم و بازدارندگی هم‌سو است. و با نتایج تحقیقات متقی و پوستین‌چی (۱۳۹۱)، احتشامی (۱۳۷۸)، رضانی (۱۳۸۰)، فرهی (۲۰۰۱)، کمپ (۲۰۰۰)، مورگان (۱۳۸۱) و لیک (۱۳۸۱) هم‌خوانی دارد. سنخیت این مقوله با بسیاری از رویکردها، مدل‌ها و نظریه‌ها نشان می‌دهد این مقوله از اعتبار بالایی برخوردار است. این یافته نشان می‌دهد عمق‌بخشی در سایه توجه و حمایت و هم‌سوایی با گروه‌ها، احزاب و جنبش‌ها و حتی ارتش‌های ایدئولوژیک در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی تفسیر می‌شود.

بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام و انقلاب در مناسبات و تعاملات دفاعی یافته‌هایی است که ارتباط منطقی و معناداری با برخی از یافته‌های این تحقیق از جمله: بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام، تعالیم پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) در فهم و برقراری مناسبات دفاعی، ترویج گفتمان و اندیشه‌های راهبردی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در اندیشه دفاعی، تأثیرگذاری بر محیط منطقه‌ای را از طریق سازوکارهای گفتمانی انقلاب اسلامی در پرتوی انگاره‌های نظامی و دفاعی، تقویت و توسعه فرآورده‌های

دفاعی و نظامی انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه‌ای، بهینه‌سازی اندیشه دفاعی با استفاده از نظریه اسلامی - ایرانی پیشرفت و صدور آن به کشورهای اسلامی، خلق گفتمان‌های منطقی و دارای مقبولیت منطقه‌ای به منظور جهت‌دهی و مشروعیت‌بخشی انقلاب اسلامی از منظر مناسبات دفاعی دارد. این یافته با نظریه‌های کارکردگرایی، ارتباطات، نظریه انتقادی، سازه‌نگاری، و رژیم‌های بین‌المللی با مدل‌های دیپلماسی رسمی، مسیر دوم، شبکه‌ای، عمومی و اسلامی - ایرانی و با رویکردهای محتوایی، توسعه‌گرایی، مشروعیت‌سازی، چندجانبه‌گرایی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تعامل سازنده، هنجارسازی، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، قدرت نرم و بازدارندگی هم‌سو بود و با نتایج تحقیقات ساعد (۱۳۸۹)، پیرمحمدی (۱۳۹۲)، مینایی و همکاران (۱۳۹۵)، پوستین‌چی و متقی (۱۳۹۱)، رضانی (۱۳۸۰)، فرهی (۲۰۰۱)، مورگان (۱۳۸۱) و کیمپ (۲۰۰۰) هم‌خوانی داشت. این مقوله بسیاری از رویکردها، مدل‌ها و نظریه‌ها را پوشش می‌دهد و در نتیجه از اعتبار بالایی برخوردار است.

مقوله‌های چندجانبه‌گرایی، توسعه همکاری‌های دفاعی بین‌المللی و کنترل مناقشه از طریق رایزنی دفاعی، مدیریت بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ارتباط مؤثر و معناداری با انعقاد پیمان‌های دفاعی دو یا چندجانبه سیاسی و دفاعی، ارتقای سطح همکاری‌ها و تبادلات آموزشی، فنی و دفاعی و عملیاتی، ارتقا و تحکیم مناسبات دفاعی، همکاری در زمینه موضوعات و مناسبات مشترک بین‌المللی، واردات و صادرات، رزمایش‌ها، کنش راهبردی سیاسی و دفاعی و مواردی چون تعامل‌گرایی، اعتمادسازی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، هنجارسازی، تنش‌زدایی، بازدارندگی و تهدید متقابل، مدیریت حل‌وفصل بحران‌های منطقه‌ای، ممانعت از امنیتی‌شدن منطقه و جهان و تولید ارزش‌ها و هنجارها دارد، این یافته با مدل‌های دیپلماسی رسمی، مسیر دوم، عمومی، مبتنی بر تصمیم‌گیری، اسلامی - ایرانی با رویکردهای محتوایی، توسعه‌گرایی، مشروعیت‌سازی، هنجارسازی، قدرت نرم، اعتمادسازی، تنش‌زدایی، چندجانبه‌گرایی، بازدارندگی، تنش‌زدایی، قدرت نرم و با نظریه‌های لیبرالیسم، رئالیسم، کارکردگرایی، ارتباطات، مکتب انگلیسی و رژیم‌های بین‌المللی هم‌خوانی دارد. این یافته با نتایج تحقیقات ساعد (۱۳۸۹)، ساعد و علیدوستی (۱۳۹۰)، انعامی علمداری (۱۳۹۴)، پیرمحمدی (۱۳۹۲)، میرزایی و دیگران (۱۳۹۳)، مینایی و دیگران (۱۳۹۵)، پوستین‌چی و متقی (۱۳۹۱)، ذوالفقاری و خسروی (۱۳۹۵)، بلوچی (۱۳۸۹)، کیمپ (۲۰۰۰)، مورگان (۱۳۸۱)، لیک (۱۳۸۱)، احتشامی (۱۳۷۸)، رضانی (۱۳۸۰) و فرهی (۲۰۰۱) هم‌سو است. دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یک ابزار مهم در تحقق اهداف کلان نظام به‌عنوان مکمل سیاست خارجی می‌تواند برای حفظ ارزش‌های



حیاتی و ملی کشور در برابر دشمنان بالقوه و بالفعل نقش ایفا کند. بخشی از این فرایند به کمک ابزارهای دیپلماسی دفاعی امکان پذیر است که در جهت پیشگیری از جنگ و مناقشه های نظامی، قدرت سازی و قدرت افزایی، انسجام بخشی به راهبردها و برنامه های سیاسی انجام می گیرد.

دفاع در عمق راهبردی و آینده نگر و جایگاه یابی جهانی ارتباط مؤثر و معناداری با توسعه فعالیت های دفاعی در بیرون از مرزهای کشور در زمینه عملیات برون مرزی وابسته به سازمان ملل، کشورهای متقاضی کمک مستشاری، اهداف و عملکرد جنگ های آینده، اشراف همه جانبه نسبت به گروه های تهدیدکننده منطقه ای و بین المللی، همکاری دفاعی در محیط منازعه، خلع سلاح شبه نظامیان و گردآوری تسلیحات، اجرای طرح های بازسازی در کشورهای هم سو و کمک به دولت های ورشکسته، ایجاد فضای حیاتی، آینده پژوهی و آینده نگاری راهبردهای بیگانگان، تهیه برآورد و ارزیابی دقیق از تهدیدات و چالش های گوناگون و اتحاد و ائتلاف سازی نظامی دارد. این یافته با نتایج تحقیقات ساعد (۱۳۸۹)، ساعد و علیدوستی (۱۳۹۰)، انعامی علمداری (۱۳۹۴)، پیرمحمدی (۱۳۹۲)، میرزایی و دیگران (۱۳۹۳)، مینایی و دیگران (۱۳۹۵)، پوستین چی و متقی (۱۳۹۱)، ذوالفقاری و خسروی (۱۳۹۵)، بلوچی (۱۳۸۹)، کمپ (۲۰۰۰)، مورگان (۱۳۸۱)، لیک (۱۳۸۱)، احتشامی (۱۳۷۸)، رضانی (۱۳۸۰) و فرهی (۲۰۰۱) هم سو است. این یافته با رویکردهای محتوایی، توسعه گرایی، مشروعیت سازی، چندجانبه گرایی، هنجار سازی، تنش زدایی، قدرت نرم، بازدارندگی و یا مدل های دیپلماسی رسمی، مسیر دوم، اجبار، شبکه ای، عمومی، رسانه ای و مبتنی بر تصمیم گیری، اسلامی - ایرانی و با نظریه های رئالیسم، کارکردگرایی، ارتباطات، سازهانگاری، نظریه انتقادی، رژیم های بین المللی، و مکتب انگلیسی هم خوانی دارد. به این علت که این یافته ها با بسیاری از رویکردها، مدل ها و نظریه ای مطرح شده انطباق و هم خوانی دارد، از اعتبار بالایی برخوردار است. زمینه سازی برای جلوگیری از ترکش منازعات منطقه ای و بین المللی به داخل مرزهای کشور اهمیتی راهبردی است. در سایه مقولات مطرح شده می توان بسترها و زمینه های اقدام علیه امنیت ملی کشور را به حداقل رساند.

مقوله های تقویت انسجام بین کشورهای اسلامی و مسلمان، حمایت مادی و معنوی از جریان بیداری اسلامی، مقابله با نظام سلطه و تلاش در جهت مصون سازی گروه های مقاومت در برابر پدیده نفوذ ارتباط مؤثر و معناداری با نقد هژمونی قدرت های بزرگ در سیاست بین الملل، نفی رابطه سلطه گر و سلطه پذیر، مقابله جهان اسلام با استکبار جهانی، مهندسی محیط امنیتی برای غلبه بر شرایط عدم اطمینان، گسترش فرهنگ مقاومت،

خنثی‌سازی هنجارهای معارض، موج اسلام‌خواهی امت اسلامی، گفتمان حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، گفتمان بیداری اسلامی، الگوی انقلاب اسلامی ایران، ایجاد زمینه برای هویت‌یابی سیاسی اجتماعی و ممانعت از ناپایداری قدرت سیاسی و نظامی کشورهای هم‌سو دارد. این یافته با نتایج تحقیقات ساعد (۱۳۸۹)، ساعد و علیدوستی (۱۳۹۰)، انعامی علمداری (۱۳۹۴)، پیرمحمدی (۱۳۹۲)، میرزایی و دیگران (۱۳۹۳)، مینایی و دیگران (۱۳۹۵)، پوستین‌چی و متقی (۱۳۹۱)، ذوالفقاری و خسروی (۱۳۹۵)، بلوچی (۱۳۸۹)، کمپ (۲۰۰۰)، مورگان (۱۳۸۱)، لیک (۱۳۸۱)، احتشامی (۱۳۷۸)، رضانی (۱۳۸۰) و فرهی (۲۰۰۱) هم‌سو است. این یافته با رویکردهای محتوایی، توسعه‌گرایی، مشروعیت‌سازی، هنجارسازی، قدرت نرم، بازدارندگی و یا مدل‌های دیپلماسی رسمی، مسیر دوم، اجبار، شبکه‌ای، عمومی، رسانه‌ای، مبتنی بر تصمیم‌گیری، اسلامی - ایرانی و با نظریه‌های رئالیسم، کارکردگرایی، ارتباطات، سازه‌انگاری، نظریه انتقادی، رژیم‌های بین‌المللی هم‌خوانی دارد. یکی از پارادایم‌های مسلط در عرصه روابط بین‌الملل فرایند عدم کرنش برخی از دولت - ملت‌ها در مقابل استعمار و ابرقدرت‌های جهانی است. این دیدگاه متأثر از تز بیداری اسلامی علمای شاخص اسلامی به‌ویژه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بوده که مبتنی بر حاکمیت دکترین مردم‌گرایی و معنویت‌گرایی، عدالت‌طلبی، حمایت از مظلومان و مستضعفان و مبارزه با نظام سلطه بوده و همین عامل جذابیت پیام‌های انقلاب در گستره جغرافیایی جهان تشیع، اسلام و سوم در جهت توسعه‌بخشی عمق راهبردی این نظام مطرح بوده است. در این امتداد، جمهوری اسلامی به‌جای ائتلاف اقتصادی یا نظامی با ابرقدرت‌های جهانی، گفتمان معنوی - مردمی، را سرلوحه کار خود قرار داد و با رعایت الزامات و اقتضائات آن در سیاست‌گذاری و اجرا، توانست امنیت خود را به فراتر از مرزهایش توسعه دهد و در گوشه‌وکنار جهان به‌عنوان الگوی الهام‌بخش مطرح شود. بسیاری از جنبش‌های اسلامی مهم ضمن تأثیرپذیری از گفتمان مقاومت و انقلاب اسلامی سرنوشت خود را در گرو عظمت و سربلندی ایران اسلامی می‌دانند. در شرایط جدید بسیاری از مناطق ژئوپلیتیکی جهان متأثر از این گفتمان و اندیشه است. بر همین اساس، مفهوم دیپلماسی و دیپلماسی دفاعی در مکتب جمهوری اسلامی ایران مفهومی است که به‌شدت با مفهوم اسلامی و توحیدی بودن نظام آمیخته شده است. اسلام در میانی تفکر جمهوری اسلامی ایران یک مکتب و ایدئولوژی است؛ یعنی یک امر فرانهادی و فراگفتمانی، جهان‌شمول، محرک تکامل و سبک زندگی اسلامی است. بنابراین گفتمان دیپلماسی دفاعی در جمهوری اسلامی ایران، مفهومی عقیدتی - فرهنگی (توحیدمحور)، عینی، بسط‌محور، پایدار، دائمی،



جامع‌الابعد و همه‌جانبه است.

پیشنهادها

- توجه و اهتمام به تولید نظریه‌های دیپلماسی دفاعی بومی در مراکز آکادمیک و اندیشکده‌های کشور؛
- تولید و انتشار کتاب دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی از منظر رویکردهای امنیتی دفاعی کشور؛
- بهره‌گیری از تجربیات، الگوها و پارامترهای مهم دیپلماسی دفاعی سایر مکاتب و کشورها از منظر روشی و بینشی متناسب با چشم‌انداز سیستم سیاسی و نظامی کشور؛
- متنوع‌سازی ابزار دیپلماسی دفاعی در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور کارآمدسازی مؤثر سیاست خارجی (بهره‌گیری از رهیافت‌های دیپلماسی دفاعی در جهت پیشبرد اهداف دیپلماسی رسمی و مکمل‌سازی به‌عنوان اصلی پیشرو، کارآمد و اثربخش)؛
- توسعه مناسبات و دیپلماسی دفاعی به‌منظور دستیابی به فناوری نوین دفاعی و نظامی در جهت ارتقای ضریب امنیتی کشور و مبارزه با تهدیدات نوظهور؛
- تقویت و توسعه دیپلماسی دفاعی در پرتوی ریزنی‌های دفاعی توسط نخبگان دفاعی و استراتژیست‌های نظامی، به‌منظور کم‌کردن شدت زمینه‌های ایجاد منازعه، کنترل کردن و خنثی‌سازی آن.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۱)، دانشنامه سیاسی: فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، تهران: نشر مروارید.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۷)، سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- آلود پوش، علی؛ توتونچیان، علیرضا (۷۲)، دیپلمات و دیپلماسی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- البرزی، محمدرضا (۱۳۶۸)، ارزیابی تحول دیپلماسی در قرن بیستم، تهران: نشر سفیر.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۹)، دیپلماسی دفاعی اروپا، فصلنامه راهبرد دفاعی، س ۸، ش ۳۱.
- بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۹)، دیپلماسی دفاعی چین، فصلنامه راهبرد دفاعی، س ۸، ش ۳۱.



- پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۵)، شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۹۵.
- جفری، کمپ (۱۳۷۷)، خلیج فارس منطقه‌ای همیشه استراتژیک، ترجمه و تلخیص غلامرضا عباسیان، سلام ۴، ۶ و ۸ اسفند ماه.
- حاجی‌زاده، سیروس (۱۳۹۷)، طراحی الگوی دیپلماسی جمهوری اسلامی در راستای عمق‌بخشی انقلاب اسلامی، رساله دکتری، دانشگاه جامع امام حسین(ع).
- دیوید، ای‌لیک، ام‌مورگان، پاتریک (۱۳۸۱)، نظم‌های منطقه‌ای امنیت‌سازی در جهانی نوین، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رضانی، روح‌الله (۱۳۸۰)، چهارچوب تحلیلی سیاست خارجی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- ذوالفقاری، مهدی؛ خسروی، ایمان (۱۳۹۵)، تحرک‌بخشی به دیپلماسی دفاعی در پرتوی فرصت‌ها و تهدیدات برنامه اقدام سازمان ملل و تأثیر آن بر امنیت نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، ش ۲۲: ۱۰۱-۱۲۷.
- ساعد، نادر؛ علیدوستی، قاسم (۱۳۹۰)، دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، ش ۲۴.
- ساعد، نادر (۱۳۸۹)، دیپلماسی دفاعی، تاملی شناختی و کاوش در مبادی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، ش ۳۱.
- سجادی‌پور، سید محمدکاظم؛ وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۹۰)، دیپلماسی چهارچوب‌های مفهومی و عملیاتی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۴.
- صفوی، سید یحیی (۱۳۹۴)، تأثیرسنجی نقش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرهنگی مسلمانان انگلیس در عمق‌بخشی خارجی جمهوری اسلامی ایران، سال پنجم، ش ۱۲.
- ظریف، محمد؛ سجادی‌پور، سید محمدکاظم (۱۳۸۹)، دیپلماسی چندجانبه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- عسکری، محمود (۱۳۹۰)، دیپلماسی دفاعی بازدارندگی مطالعه موردی ج.ا.ا. فصلنامه دیپلماسی دفاعی، سال دوم، ش ۳.
- علی‌بخشی، محمدرضا (۱۳۹۱)، بررسی ارتقای هویت شیعیان جمهوری آذربایجان در راستای عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه جامع امام حسین(ع).
- فرهی، فریده (۱۳۸۰)، داشتن یا نداشتن، بحث‌های داخلی در ایران پیرامون اتخاذ راهکار هسته‌ای، مندرج در انتخاب‌های تسلیحاتی ایران، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.



- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، رهیافتی نظری بر دیپلماسی منطقه‌ای، واحدهای تجدیدنظرطلب در گذار چرخه سیستمی قدرت، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، ش ۴.
- قلی‌زاده، سید ابراهیم (۱۳۹۳)، فرصت‌ها و چالش‌های عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۲، ش ۸۶.
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۵)، اهداف و سطوح دیپلماسی دفاعی، (مطالعه موردی ترکیه و مصر)، فصلنامه راهبرد دفاعی سال چهارم، ش ۱۴.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴)، اصول سیاست خارجی و سیاسی بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
- کاظمی، سید علی‌اصغر (۱۳۷۸)، دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌المللی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- گیتس، رابرت (۱۳۸۷)، راهبرد متوازن، برنامه‌ریزی مجدد پنتاگون برای عصری جدید، ترجمه بهناز اسدی کیا.
- محمدی، مهدی (۱۳۹۴)، تأثیرسنجی نقش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرهنگی مسلمانان انگلیس در عمق‌بخشی خارجی جمهوری اسلامی ایران، سال پنجم، ش ۱۲.
- مقام معظم رهبری (۱۳۸۱)، مجموعه سخنان فرمانده کل قوا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- متقی، ابراهیم؛ پوستین‌چی، زهره (۱۳۹۵)، رهیافت‌ها و فرایندهای دیپلماسی دفاعی در راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی.
- مینایی حسین و همکاران (۱۳۹۳)، ارزیابی اثر فعالیت‌های مدیریت دانش بر دیپلماسی دفاعی، فصلنامه راهبردی، ش ۷۰.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴)، سیاست میان‌ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- Kemp, Jefri (2000), *Irans security and power Washington: nicson senter for peace and freedom.*
- Gates M, Roberts (2009) *A Balanced Strategy: Reprogramming the Pentagon For a New Age. Foreign Affairs . Vol. 88. No. 1. Jan-Feb.*
- MORGAN, Patrick, (1997), "The New Regionalism in Security Affairs", in D. A. Lake e P. M. Morgan (eds.), *Regional Orders: Building Security in a New World.* University Park, Pennsylvania State University Press.
- A. Lake and P. M. Morgan (eds), *Regional Orders: Building Security in a New World,* University Park, PA: Pennsylvania State University Press, pp: 3 – 19.
- Shea, Timothy (2005), *Transforming Military Diplomacy, Joint Forces Quarterly, Issue Thirty-Eight.*

–UK Ministry of Defense (Dec. 2000), Policy Paper, Paper no, 1: Defense Diplomacy, Director.

–Farahi, Faride (1995), “Security Considerations and Iranian Foreign Policy”, The Iranian Journal of International Affairs, Summer.

